

جشنواره قرآنی



مجمع فرهنگی، آموزشی
علامه طباطبائی



۵

بهشت قرآنی



سال تحصیلی ۹۶ - ۹۵



قرائت قرآن کریم • مفاهیم قرآن کریم • حفظ موضوعی قرآن کریم

کانال قرآنی در تلگرام • احکام • نهج البلاغه • تواشیح و همخوانی • نقاشی

www.alameh.ir

www.mat.ir



پنجمین جشنواره قرآنی بهشت اُنس

پنجمین جشنواره قرآنی بهشت اُنس
مجتمع فرهنگی، آموزشی علامه طباطبائی

www.mat.ir ■ www.alameh.ir



امام علی (ع):

در آیه‌های قرآن اندیشه کنید و از آن پند گیرید که رساترین پندهاست

توجه به برگزاری موفق چهار دوره از مسابقات قرآنی «بهشت انس» و استقبال قابل توجه دانش‌آموزان عزیز، بر آن شدیم تا ضمن برگزاری پنجمین دوره این مسابقات، به بررسی مفاهیم آیاتی از قرآن کریم بپردازیم و با عمل به این دستورات، ضمن بهره‌مندی از اجر مادی، از برکات معنوی حفظ و عمل به دستورات قرآن کریم بهره‌مند شویم. نکات تفسیری این مجموعه برگرفته از کتاب تفسیر جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محسن قرائتی است که با بیانی شیرین و شیوا به توضیح آیات پرداخته‌اند.

این کتاب به بیان بخش‌هایی از جملات ارزشمند حضرت علی(ع) که در کتاب شریف نهج‌البلاغه گردآوری شده، پرداخته است و نیز بخش کوچکی از مباحث «احکام نوجوانان» را بیان می‌کند.

ضمن آرزوی توفیق بیشتر برای همکاران، دانش‌آموزان و خانواده‌های محترم ایشان در جهت نیل به اهداف بلند قرآن کریم، از همه عزیزانی که ما را در جهت برگزاری هرچه با شکوه‌تر این جشنواره یاری نموده‌اند، به ویژه هیات محترم موسس، مدیران محترم مدارس مجتمع، معاونین فرهنگی واحدهای آموزشی و اعضای محترم ستاد قرآن مجتمع سپاسگزاری می‌نماییم.

■ ستاد قرآن مجتمع فرهنگی آموزشی مجتمع علامه طباطبایی

یکی از دغدغه‌های بزرگ بشر، و شاید مهمترین خواسته او از دیرباز، رسیدن به آرامش و آسایش بوده است. آسایش در جسم و آرامش در روح. قطعاً رسیدن به آرامش روحی برای او از اهمیت بیشتری برخوردار است. این آرامش و آسایش فقط در سایه رعایت «بایدها و نبایدها» که در ادبیات اجتماعی ما با عنوان «هنجار» از آن یاد می‌شود میسر خواهد بود. عالمان دینی و دانشمندان علم روانشناسی این «بایدها و نبایدها» را در حوزه رفتار، «اخلاق» نام نهاده‌اند و انسان با اخلاق، خانواده‌ی با اخلاق و جامعه‌ای برمدار اخلاق، از آرزوهای بشر برای ایجاد مدینه فاضله و آرمان‌شهر بوده و هست.

با ظهور دین مبین اسلام و بعثت پیامبر خاتم، جریان اخلاق مداری و رعایت حداقل‌های اخلاقی و رفتاری رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت و شعاری: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (براستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام) فلسفه ظهور پیامبر خاتم را تبیین کرد. همان پیامبری که خداوند در قرآن کریم؛ آخرین نسخه و کاملترین منظومه هدایت بشر؛ او را اینگونه معرفی می‌کند که: «انک لعلی خلق عظیم» «ای پیامبر تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی».

کتاب آسمانی پیامبر آرامش، دستورات اخلاقی بسیاری برای بشر دارد که عمل به آن‌ها موجب آسایش و آرامش را در دنیا و آخرت برای بشر فراهم می‌کند. از این رو با



۴۰ آیه موضوعی از قرآن کریم

ردیف	آیه / سوره	آیه	ترجمه
۱	ق/۱۷- خداوند از اعمال ما باخبر می‌شود	أَذِ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ (۱۷)	به خاطر بیاورید هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که همراه انسان هستند. "۱۷"
۲	ق/۱۸- خداوند از اعمال ما با خبر می‌شود	مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۱۸)	هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی‌کند مگر اینکه نزد آن فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت است. "۱۸"
۳	حدید/۴ همراهی همیشگی خداوند با بندگان	هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرَجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)	او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید. سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت) آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن خارج می‌شود، و آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه به آسمان بالا می‌رود، و او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به هر آنچه انجام می‌دهید بیناست. "۴"
۴	علق/۱۴ عالم محضر خداست	أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (۱۴)	آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند. "۱۴"
۵	۱۰۳/ انعام خدا دیده نمی‌شود	لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۰۳)	چشم‌ها او را درک نمی‌کنند ولی او همه چشم‌ها را درک می‌کند و او بخشنده انواع نعمت‌ها و با خبر از ریزه‌کاری‌ها و آگاه (از همه چیز) است. "۱۰۳"
۶	۴۰/ نساء خدا ظلم نمی‌کند	إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)	خداوند حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد، آن را صدچندان می‌سازد و از نزد خود پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد. "۴۰"



<p>قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زبان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت دهندگان. ”۱۵۵“</p>	<p>وَلَنبَلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)</p>	<p>۱۵۵ / بقره انواع امتحانات</p>	<p>۷</p>
<p>هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند. ”۳۰“</p>	<p>وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)</p>	<p>۳۰ / شوری هر چه کنی به خود کنی!</p>	<p>۸</p>
<p>هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد در زمین طغیان و ستم می‌کنند، لذا به مقداری که می‌خواهد نازل می‌کند که او نسبت به بندگانش آگاه است. ”۲۷“</p>	<p>وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (۲۷)</p>	<p>۲۷ / شوری حکمت روزی اندک</p>	<p>۹</p>
<p>آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است، ما به آنها مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیافزایند؛ و برای عذاب آنها عذاب خوار کننده‌ای (آماده شده) است! ”۱۷۸“</p>	<p>وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئِهِمْ لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸)</p>	<p>۱۷۸ / آل عمران مهلت به کافران</p>	<p>۱۰</p>
<p>و گمان مبر که خداوند از کارهای ظالمان غافل است (نه، بلکه کبفر) آنها را تأخیر انداخته است برای روزی که چشم‌ها در آن (از ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستد. ”۴۲“</p>	<p>وَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)</p>	<p>۴۲ / ابراهیم عدم غفلت خداوند از اعمال ستمگران</p>	<p>۱۱</p>





<p>و(فزونی) اموال و اولاد آنها تو را در شگفتی فرو نبرد، خدا می خواهد آنها را به وسیله آنها در زندگی دنیا عذاب کند و در حال کفر بمیرند. “۵۵”</p>	<p>فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)</p>	<p>۵۵/توبه ثروت کفار مایه عذاب در دنیا</p>	<p>۱۲</p>
<p>بگو اگر خدارا دوست می دارید، از من پیروی کنید. تا خدا نیز شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببخشد، و خدا آمرزنده و مهربان است. “۳۳”</p>	<p>قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۳)</p>	<p>۳۲ / آل عمران جلب محبت الهی</p>	<p>۱۳</p>
<p>بگو: از خدا و فرستاده (او) اطاعت کنید! و اگر سربیزی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد. “۳۱”</p>	<p>قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳۱)</p>	<p>۳۱ / آل عمران جلب محبت الهی</p>	<p>۱۴</p>
<p>اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. “۵”</p>	<p>وَيُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)</p>	<p>۵/ قصص حکومت جهانی مستضعفان</p>	<p>۱۵</p>
<p>خداوند معبودی جز او نیست و بطور قطع همه شما را در روز رستاخیز که شک در آن نمی باشد. جمع می کند، و کیست که از خداوند راستگوتر باشد. “۸۷”</p>	<p>اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَبِّبٍ فِيهِ وَمَنْ أَسْدَقُ مِنْ اللَّهِ حَدِيثًا (۸۷)</p>	<p>۸۷/ نساء تأکید بر وقوع معاد</p>	<p>۱۶</p>



<p>ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورت‌هایی را محو کنیم، و سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم. همان گونه که «اصحاب سبت» (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم، و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است. «۴۷»</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)</p>	<p>۴۷ / نساء دقت در سنجش اعمال</p>	<p>۱۷</p>
<p>هیچ کس نمی‌داند چه پاداش مهمی که مایه روشنی چشم‌ها می‌گردد برای آنها نهفته است. «۱۷»</p>	<p>فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةٍ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)</p>	<p>۱۷ / سجده بر خورداری از نعمت‌های فوق تصور بهشتیان</p>	<p>۱۸</p>
<p>آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را بر پا دار که نماز (انسان) را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید.</p>	<p>اِنَّهُ مَا اَوْحٰى اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاۗءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُوْنَ (۴۵)</p>	<p>۴۵ / عنکبوت عامل جلوگیری از ارتکاب گناه</p>	<p>۱۹</p>
<p>از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست. «۱۰۳»</p>	<p>خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)</p>	<p>۱۰۳ / توبه زکات مایه پاک‌ی و آرامش انسانی</p>	<p>۲۰</p>
<p>هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. «۱۶۹»</p>	<p>وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)</p>	<p>۱۶۹ / آل عمران مقام شهید</p>	<p>۲۱</p>





<p>شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (برای اینکه) امر به معروف می‌کنید. و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند به سود آنهاست (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می‌باشند.</p>	<p>كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَآلُو أَمْنٍ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)</p>	<p>۱۱۰/ آل عمران امر به معروف و نهی از منکر</p>	<p>۳۲</p>
<p>باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. ”۱۰۳“</p>	<p>وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)</p>	<p>۱۰۴/ آل عمران مایه‌ی رستگاری</p>	<p>۳۳</p>
<p>آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او شما را در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید با اینکه شما خودتان کتاب آسمانی را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید! ”۴۴“</p>	<p>أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)</p>	<p>۴۴/ بقره تبلیغ عملی</p>	<p>۳۴</p>
<p>پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، و شکر مرا گویند و کفران (در برابر نعمتها) نکنید. ”۱۵۲“</p>	<p>فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (۱۵۲)</p>	<p>۱۵۲/ بقره ذکر خدا</p>	<p>۲۵</p>
<p>ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم. و (شما را) به تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم. تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شماست خداوند دانا و آگاه است. ”۱۳“</p>	<p>يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۱۳)</p>	<p>۱۳/ حجرات تقوا</p>	<p>۲۶</p>



<p>و کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، درحالیکه ایمان کامل داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.</p>	<p>وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴)</p>	<p>۱۲۴ / نساء ایمان همراه عمل صالح</p>	<p>۲۷</p>
<p>کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند خداوند رحمن محبت آنها را در دلها می‌افکند. “۹۶”</p>	<p>إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)</p>	<p>۹۶ / مریم برخورداری از محبوبیت</p>	<p>۲۸</p>
<p>و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام بر می‌دارند. و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ گویند. “۶۳”</p>	<p>وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)</p>	<p>۶۳ / فرقان تواضع</p>	<p>۲۹</p>
<p>بگو من هم مثل شما بشری هستم (ولی) به من وحی می‌شود. که خدای شما یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد. باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. “۱۱۰”</p>	<p>قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)</p>	<p>۱۱۰ / کهف اخلاص</p>	<p>۳۰</p>
<p>کسی که از پیامبر اطاعت کند. اطاعت خدا کرده و کسی که سر باز زند، تو در برابر او مسؤول نیستی. “۸۰”</p>	<p>مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (۸۰)</p>	<p>۸۰ / نساء لزوم اطاعت از پیامبر</p>	<p>۳۱</p>





<p>آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش باز گرداند از آن خدا، و رسول، خویشاوندان او و یتیمان، و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد. آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده خودداری نمایید. از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند شدید العقاب است. ”۷“</p>	<p>مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقَرْيَةِ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقَرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَعْيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)</p>	<p>۷ / حشر جلوگیری از انباشتن ثروت</p>	<p>۳۲</p>
<p>برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. ”۲۱“</p>	<p>لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)</p>	<p>۲۱ / احزاب اهل بیت پیامبر</p>	<p>۳۳</p>
<p>ای کسانی که ایمان آورده اید. اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را، و هرگاه در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است. ”۵۹“</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)</p>	<p>۵۹ / نساء وجوب اطاعت از اولی الامر</p>	<p>۳۴</p>
<p>پس هرکس با تو (درباره عیسی) در مقام مجادله برآید بعد از آنکه آگاهی یافتی، بگو: بیایید (ما و شما) بخوانیم فرزندان و زنان و نفوس خود را تا با هم به مباحله برخیزیم(به پیشگاه خدا دعا کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم. ”۶۱“</p>	<p>فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَلْيُنَادِهِمْ تَدْعُ آبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)</p>	<p>۶۱ / آل عمران آیه مباحله</p>	<p>۳۵</p>



<p>ای کسانی که ایمان آورده اید پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید. "۳۵"</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)</p>	<p>۳۵ / مانده وسيله تقرب به خداوند</p>	<p>۳۶</p>
<p>سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او. و کسانی که ایمان آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند. "۵۵"</p>	<p>إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)</p>	<p>۵۵ / مانده آیه ولایت</p>	<p>۳۷</p>
<p>ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد و خداوند جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. "۶۷"</p>	<p>يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷)</p>	<p>۶۷ / مانده ابلاغ ولایت</p>	<p>۳۸</p>
<p>آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مردشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. "۲۷۴"</p>	<p>الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴)</p>	<p>۲۷۴ / بقره انفاق</p>	<p>۳۹</p>
<p>بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه‌السلام) (در لیلۃ‌المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر) (صلی‌الله علیه و آله و سلم)، جان خود را بخاطر خشنودی خدا می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. "۲۰۷"</p>	<p>وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)</p>	<p>۲۰۷ / بقره لیلۃ‌المبیت</p>	<p>۴۰</p>





مفاهيم قرآن كريم

بر اساس تفسير نور
حجت الاسلام و المسلمين محسن قرائتي



۲۰۱

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (۱۷) مَا يَلْفِظُ مِنْ
قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

سوره ق، آیه هفدهم و هجدهم

خداوند از اعمال ما باخبر می‌شود- به خاطر بیاورید هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که همراه انسان است (۱۷) خداوند از اعمال ما با خبر می‌شود- هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی‌کند مگر اینکه نزد آن فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است.



■ نکات:

- تعبیر «قعید» کنایه از آن است که دو فرشته همواره با انسانند و در کمین او نشسته‌اند، نه آنکه دو فرشته در سمت راست و چپ انسان نشسته باشند.
- «رقیب» به معنای مراقب و ناظر، «عتید» به معنای آماده به خدمت.
- ۱- با این که خداوند متعال، خود شاهد بر اعمال و افکار انسان است، اما تشکیلات الهی حساب و کتاب دارد و فرشتگانی دائماً مشغول ثبت اعمال هستند. «اذ یتلقى المتلقیان»
- ۲- میان فرشتگان، تقسیم کار وجود دارد. (بر اساس روایات، فرشته یمین (سمت راست) کارهای خیر را می‌نویسد و فرشته شمال (سمت چپ)، کارهای بد و شر را. «المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید»
- ۳- انسان، نه فقط در برابر کردار، بلکه در برابر گفتار خود مسئول است و مورد محاسبه قرار می‌گیرد. «ما یلفظ من قول»
- ۴- نظارتی دارای اعتبار و ارزش است که همه چیز را به طور کامل زیر نظر داشته باشد. «عن الیمین... عن الشمال... رقیب عتید»



۳

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

سوره حدید، آیه چهارم

همراهی همیشگی خداوند با بندگان - او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید. سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت) آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن خارج می‌شود، و آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه به آسمان بالا می‌رود و او با شماسست هر جا که باشید و خداوند نسبت به هر آنچه انجام می‌دهید بیناست.



■ نکات:

آنچه در زمین فرو می‌رود، همچون بذر گیاهان، قطرات باران، ریشه‌ی درختان، اجساد مردگان، گنج‌ها و امثال آن؛ و آنچه از زمین خارج می‌شود، همچون ساقه‌ی گیاهان و درختان، آب چاه‌ها و چشمه‌ها، انواع مواد نفتی و معدنی و امثال آن، همه در نزد خداوند آشکار و معلوم است.

ایمان به علم و حضور خداوند، بهترین و قوی‌ترین وسیله تربیت است. اگر انسان بداند هر لحظه خداوند با اوست و تمام کارهایش زیر نظر اوست، هرگز اجازه این همه تجاوز و قانون‌شکنی به خود نمی‌دهد.

با اینکه قدرت او بی‌نهایت است و می‌تواند در یک لحظه همه چیز را بیافریند، ولی حکمت او اقتضا دارد که آفرینش تدریجی باشد. «خلق... فی سِتَّةِ آیام»

۲- خداوند بر تمام هستی و آفریده‌های خود سلطه کامل دارد. «خلق... ثمَّ استوی علی العرش»

۳- خداوند به تمام جزئیات هستی، علم دارد. «یعلم ما یلج فی الارض و ما یتخرج منها و ما ینزل... و ما یرج...»

۴- همه در محضر خداییم. «و هو معکم»

۵- علم خداوند حضوری است. «هو معکم»

۶- خداوند به تمام جزئیات کار ما آگاه است. «و الله بما تعملون بصیر»



۴

اَلَمْ يَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ يَرٰى

سوره علق، آیه چهاردهم

عالم محضر خداست. آیا او نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند.



■ نکات:

ریشه طغیان دو چیز است: یکی آنکه خود را بی‌نیاز می‌بیند. «رَأَهَ اسْتَغْنَى» دیگر آنکه خدا را نمی‌بیند و گمان می‌کند خدا هم او را نمی‌بیند. «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»



۵

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

سوره انعام ، آیه صد و سوم

خدا دیده نمی‌شود - چشم‌ها او را درک نمی‌کنند ولی او همه چشم‌ها را درک می‌کند و او بخشنده انواع نعمت‌ها و با خبر از ریزه‌کاری‌ها و آگاه (از همه چیز) است.



■ نکات:

کلمه‌ی «بَصْر» هم به معنای چشم است و هم به معنای بصیرت. بنابراین آیه را می‌توان چنین معنا کرد: نه چشم ظاهری، خداوند را می‌بیند و نه دل به عمق معرفت او راهی دارد.

«لطیف» چند معنی دارد:

۱- آنکه عطای خود را کم بشمارد و طاعت مردم را بسیار

۲- دقیق، رسیدگی پنهانی به امور و باریک بینی

۳- خالق اشیای ظریف و ناپیدا

۴- اهل مدارا و رفاقت

۵- پاداش دهنده‌ی اهل وفا و بخشاینده‌ی اهل جفا

خداوند، هرگز دیدنی نیست. همین که حضرت موسی از زبان مردم درخواست دیدن خدا را نمود، پاسخ شنید: «لَنْ تَرَانِي» هرگز مرا نخواهی دید.

برخی از اهل سنت گفته‌اند: خدا در قیامت دیده می‌شود و به آیاتی همچون «الِي رَبِّهَا نَظَرَه» استدلال می‌کنند.

غافل از آنکه خداوند، جسم و ماده نیست و مراد از نظر به خداوند، نگاه با چشم دل است، زیرا دیدن با چشم، در جایی است که چیزی دارای جسم، مکان، محدودیت، رنگ و... باشد و همه‌ی

این‌ها نشانه‌ی نیاز و عجز است که خداوند از این نقص‌ها دور است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: نه تنها چشم او را نمی‌بیند، بلکه وهم و فکر نیز نمی‌تواند بر او احاطه پیدا کند.

◀ ورق بزنید



سعدی در ترسیم این مطلب می گوید:
ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر
وز آنچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
ما همچنان در اوّل وصف تو مانده‌ایم

- مراد از جمله‌ی «یدرک الابصار»، علم او به دیده‌های انسان است، مانند «سمیع» و «بصیر» که به معنای علم او به شنیدنی‌ها و دیدنی‌هاست.
- خداوند، جسم مادی نیست. «لاتدرکه الابصار»
- ۲- هیچ کس از ذات خداوند آگاه نیست. «هو اللطیف»
- ۳- هیچ پرده و مانعی جلوی علم خدا را نمی‌گیرد. «هو اللطیف الخبیر»
- ۴- با اینکه زشتی‌های ما را می‌داند باز هم به ما لطف دارد. «هو اللطیف الخبیر»
- ۵- خداوند به همه‌ی لطائف و رموز هستی آگاه است. «هو اللطیف الخبیر»





این نور را که
هستند نمی
تا انسان که
است ... لیس
این منعکس شو

اجرای تواشیح در جشنواره بهشت انس



۶

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ
مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

سوره نساء ، آیه چهلم

خدا ظلم نمی کند - خداوند حتی به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند و اگر کار نیکی باشد، آن را صدچندان می سازد. و از نزد خود پاداش عظیمی (در برابر آن) می دهد.



■ نکات:

- معمولاً ریشه‌ی ظلم، یا جهل است یا ترس، یا نیاز، یا حرص و... ولی خداوند غنی و دانا و منزّه است، پس ظلم نمی‌کند. به علاوه خداوندی که خود به عدل و احسان فرمان داده، چگونه ظلم می‌کند؟ البته پاداش خداوند، چند برابر (ده برابر تا هفتصد برابر) است و این احسان و لطف اوست.
- ۱- خداوند عادل است و مجازات‌های او عکس‌العمل کردارهای خودماست. «ان الله لا یظلم...»
 - ۲- کیفرهای الهی مطابق جرم، ولی پاداش‌های الهی چند برابر است. «یضاعف»
 - ۳- خداوند، علاوه بر افزایش حسنات، از جانب خود نیز اجر عظیم می‌دهد. «من لدنه اجراً عظیماً»



۷

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالْثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

سوره بقره ، آیه صد و پنجاه و پنجم

انواع امتحانات - قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم
و بشارت ده به استقامت دهندگان.



■ نکات:

خداوند متعال، همه‌ی انسان‌ها را آزمایش می‌کند، اما آزمایش و امتحان همه یکسان نیست. تمام جهان، صحنه آزمایش و تمام مردم حتی پیامبران نیز مورد امتحان قرار می‌گیرند. باید بدانیم که آزمایش‌های خداوند برای رفع ابهام نیست، بلکه برای شکوفایی استعدادها و پرورش انسان‌ها است. وسایل آزمایش الهی نیز تمام حوادث تلخ و شیرین و از جمله ترس و گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات است. ترس از دشمن، محاصره‌ی اقتصادی، جنگ و جهاد و اعزام فرزندان و عزیزان به میدان‌های نبرد، از جمله امتحانات است. برای پیروزی در آزمایش خوف از دشمن، نیاز به توکل و یاد خداست و برای مبارزه با کمبودها، نیاز به صبر است لازم نیست همه‌ی مردم با همه‌ی مسائل آزمایش شوند، بلکه ممکن است:

الف: هرکس با چیزی آزمایش شود.

ب: فردی در آزمایشی روسفید باشد، ولی در امتحان دیگری رسوایی به بار آورد.

ج: ممکن است آزمایش فردی، وسیله‌ی آزمایش دیگران نیز باشد.

گاهی کم شدن مال و محصولات یا پیدا شدن خوف و ترس و سایر مشکلات، به خاطر آزمایش الهی است، ولی در بعضی اوقات، این امور کیفر اعمال خود انسان‌هاست.

انسان‌ها گاهی مرتکب بعضی گناهان می‌شوند که خداوند آنها را به برخی گرفتاری‌ها مبتلا می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: همانا خداوند، بندگان خود را به خاطر اعمال فاسدشان، به کمبود محصول و حبس برکت و بسته شدن منابع خیر، گرفتار می‌کند تا شاید متذکر شوند و توبه نمایند.

البته همین تنبّه نیز آزمایش است، همانگونه که بر اثر ایمان نعمتی می‌دهد که وسیله آزمایشی است: «لاسقیناهم ماء غداً لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» همانا آبی گوارا به آنان نوشاندیم تا ایشان را آزمایش کنیم.

◀ ورق بزنید



خداوند چندین عنایت به صابران نموده است از جمله:

- ۱- محبت. «والله يحب الصابرين»
- ۲- نصرت. «ان الله مع الصابرين»
- ۳- بهشت. «يجزون الغرفة بما صبروا»
- ۴- پاداش بی حساب. «انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب»
- ۵- بشارت. «بشر الصابرين»

راه پیروزی در آزمایش‌های الهی چند چیز است:
الف: صبر و مقاومت.

ب: توجه به گذرا بودن حوادث و مشکلات.

ج: توجه به تاریخ گذشتگان که چگونه مشکلات را پشت سر گذارده‌اند.

د: توجه به اینکه همه مشکلات ما در منظر و دید خداست و همه چیز حساب دارد.

امام حسین علیه السلام وقتی فرزندش روی دستانش تیر خورد و شهید شد، فرمود: این حادثه سخت، چون خدا می‌بیند برآیم آسان می‌نماید.

۱- آزمایش و امتحان یک برنامه و سنت حتمی الهی است. «وَلَنبَلُوَنَّكُمْ»

۲- ناگواری‌ها، سبب مقاومت و رشد است. بسیاری از صفات انسان از قبیل صبر، رضا، تسلیم، قناعت، زهد،

تقوا، حلم و ایثار، در سایه‌ی برخورد با تنگدستی‌ها است. «و بشر الصابرين»

اسامی نفرات برتر مسابقه داستان کوتاه – متوسطه دوره اول



نفر سوم- امیرحسین نقی رازلیقی (گلستان)



نفر دوم- سپهر رحیمیان (میرداماد)



نفر اول- علیرضا یگانه (گلستان)

اسامی نفرات برتر مسابقه داستان کوتاه – متوسطه دوره دوم



نفر سوم- علی بخشنده پور (شریعتی)



نفر دوم- آرش دادخواه (فاطمی)



نفر اول- صدرا احدی (فاطمی)



وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

سوره شوری، آیه سیام

هر چه کنی به خود کنی! - هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده اید و بسیاری را نیز عفو می کند.



■ نکات:

سؤال: اگر مصیبت‌ها به خاطر عملکرد خود ماست، پس مصائب اولیای خداوند چه توجیهی دارد؟
پاسخ: برنامه‌ها و سنت‌های الهی متعدّد است، یکی از سنت‌ها چشاندن مزه تلخ عملکرد به انسان گناهکار است که در این آیه آمده است ولی یکی دیگر از سنت‌های الهی رشد مردم در لابلای حوادث و آزمایش‌های پی در پی است. لذا حوادث تلخ که برای معصومین رخ می‌دهد برای رشد معنوی و دریافت درجه و الگو بودن آنان برای دیگران است. در حدیث می‌خوانیم: حوادث تلخ برای ظالم وسیله ادب و برای مؤمن وسیله آزمایش و برای اولیای الهی وسیله نزدیکی بیشتر است.
مشابه این آیه، آیه ۴۱ سوره روم است که می‌فرماید: به خاطر عملکرد مردم، در دریا و خشکی فساد پدید آمد که گوشه‌ای از عملکردشان را بچشند.



۹

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ
بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

سوره شوری ، آیه بیست و هفتم

حکمت روزی اندک برای مومنان - هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد در زمین طغیان و ستم می کنند، لذا به مقداری که می خواهد نازل می کند که او نسبت به بندگانش آگاه است.



■ نکات:

در آیه قبل خداوند وعده استجابت به مؤمنان داد، حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا برخی دعا‌های مؤمنان برای زیاد شدن روزی مستجاب نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت: استجابت دعا در چارچوب حکمت الهی است. گاهی زیاد شدن روزی عامل غفلت از خدا و موجب طغیان و تجاوز است و چه بسیارند کسانی که ثروت سبب هلاکت آنان شده است.

همان گونه که عطا‌های الهی لطف است، گاهی محرومیت‌ها نیز لطف است.

«لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا»

۲- فضل الهی بر اساس مصلحت و حکمت تقسیم می‌شود نه بر اساس تمایلات انسان.

«و لو بسط الله...»

۳- روابط اجتماعی سالم در گرو زندگی معتدل و در حدّ نیاز است. «لو بسط... لبغوا»

۴- مؤمنان نباید به خاطر تنگنای معیشت به خداوند سوءظن داشته باشند. «و لو بسط الله»

۵- مشیت الهی بر اساس حکمت است. «ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر»

۶- رزق مردم حساب و کتاب دارد. «ینزل بقدر»



۱۰

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ
لِيَزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

سوره آل عمران ، آیه صد و هفتاد و هشتم

مهلت به کافران - آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است، ما به آنها مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیافزایند؛ و برای عذاب آنها عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!



■ نکات:

قرآن، واژه‌ی «گمان نکنید» را بارها خطاب به کفار و منافقین و افراد سست ایمان بکار برده، و این بخاطر آن است که این افراد از واقع‌بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند. آن‌ها آفرینش را بیهوده، شهادت را نابودی، دنیا را پایدار، عزت را در گرو تکیه به کفار و طول عمر خود را مایه‌ی خیر و برکت می‌پندارند که قرآن بر همه‌ی این پندارها قلم بطلان کشیده است. اهل کفر، داشتن امکانات، به‌دست آوردن پیروزی‌ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می‌دانند، در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد، مهلت می‌دهد تا در تباهی خویش غرق شوند.

در تاریخ می‌خوانیم که وقتی یزید امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند، خاندان آن حضرت را همراه زینب کبری علیها السلام به اسارت به شام بردند. یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب گفت: «دیدید که خدا با ماست»، حضرت در پاسخ او، این آیه را خواند و فرمود: من ترا پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می‌دانم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی‌توانی خاموش کنی.

آری، برای چنین افراد خوشگذرانی، عذاب خوار کننده آماده شده، تا عزت خیالی و دنیایی آنان، با خواری و ذلت در آخرت همراه باشد.

مجرمان دوگونه‌اند: گروهی که قابل اصلاحند و خداوند آنها را با موعظه و حوادث تلخ و شیرین، هشدار داده و بیدار می‌کند، و گروهی که قابل هدایت نیستند، خداوند آنها را به حال خویش رها می‌کند تا تمام قابلیت‌های آنان بروز کند.

◀ ورق بزنید



- ۱- کفر، مانع شناخت حقیقت است. «لا یحسبن الذین کفروا...»
- ۲- مهلت‌های الهی، نشانه‌ی محبوبیت نیست. «لایحسبن... خیر لانفسهم»
- ۳- نعمت‌ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند، نه شرّ و گناه. «انما نملی لهم لیزدادوا اثمًا»
- ۴- طول عمر مهم نیست، بهره از عمر مهم است. «انما نملی لهم»
- ۵- زود قضاوت نکنید، پایان کار و آخرت را نیز به حساب بیاورید. «انما نملی لهم خیر... و لهم عذاب مهین»
- ۶- رفاه و حاکمیت ستمگران، نشانه‌ی رضای خداوند از آنان نیست. چنانکه دلیلی بر سکوت ما در برابر آنان نمی‌باشد. «نملی لهم... لهم عذاب مهین»
- ۷- عذاب‌های آخرت، انواع و مراحل متعدّد دارد. «عذاب الیم» در آیه قبل، و «عذاب مهین» در این آیه.

اسامی نفرات برتر مسابقه کانال تلگرام - متوسطه دوره دوم



نفر دوم - نیما کاظم زاده (فاطمی)



نفر اول - امیر اتابک باهنگام (پاسداران)

اسامی نفرات برتر مسابقه کانال تلگرام - متوسطه دوره اول

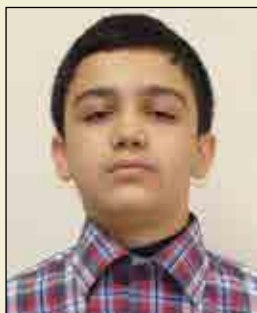


نفر دوم - علی خوبدل (آبشناسان)



نفر اول - علی برقیان (فرمانیه)

اسامی نفرات برتر مسابقه اذان - متوسطه دوره اول



نفر سوم - طه اسبرانی (میرداماد)



نفر دوم - شایان شکرانی (فرمانیه)



نفر اول - رامتین خوشنویس (آبشناسان)



۱۱

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ
تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

سوره ابراهیم ، آیه چهل و دوم

عدم غفلت خداوند از اعمال ستمگران- و گمان مبر که خداوند از کارهای ظالمان غافل است (نه، بلکه کیفر) آنها را تأخیر انداخته است برای روزی که چشم‌ها در آن (از ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستد.



■ نکات:

سؤال: خداوندی که عادل است و قدرت دارد، چرا جلو ستمگران را نمی‌گیرد؟
پاسخ: خداوند هم عادل است و هم قادر و هم به عملکرد ستمگران، عالم، لکن تأخیر کیفر به خاطر آن است که دنیا ظرفیت پاداش یا کیفر کامل را ندارد و سنت خداوند بر این است که بندگان را مهلت دهد، تا اگر قابلیت داشته باشند توبه کنند و اگر قابل نبودند، در قیامت به حسابشان برسد.

■ پیام‌ها:

- ۱- زود قضاوت نکنید و خداوند را غافل مپندارید. «لاتحسبن»
- ۲- مهلت دادن به ستمگران، نشانه‌ی غفلت خداوند یا رضایت پروردگار از آنان نیست.
«و لا تحسبن الله غافلا»
- ۳- سنت خداوند بر مهلت دادن است. «انما يؤخرهم»
بنابراین در برابر ظالم، نه ساکت شوید و نه مأیوس، به وظیفه خود عمل کنید که خداوند در کمین آنهاست.
- ۴- کیفر و پاداش الهی، زمان‌بندی دارد. «لیوم»
- ۵- روز قیامت، چنان ترس‌آور و وحشت‌زاست که چشم‌ها خیره می‌شود. «تخصص فیه الابصار»



۱۲

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

سوره توبه ، آیه پنجاه و پنجم

ثروت کفار مایه عذاب در دنیا- و (فزونی) اموال و اولاد آنها تو را در شگفتی فرو نبرد، خدا می خواهد
آنها را به وسیله آنها در زندگی دنیا عذاب کند و در حال کفر بمیرند.



■ نکات:

- «تَزْهَق» به معنای خارج شدن همراه با دشواری و تأسّف و حسرت است. در نهج البلاغه، لحظات جان دادن گروهی ترسیم شده است که اموالشان در آن هنگام، در برابر چشمشان جلوه می‌کند و از اینکه آنها را می‌گذارند و می‌روند، عذاب می‌کشند.
- ۱- مؤمنان معاصر پیامبر در مقایسه با منافقان، در ضعف مالی بودند. «فلا تعجبک اموالهم...»
 - ۲- به ذلّت کشاندن ثروتمندان منافق، از سنت‌های الهی است. «لیعدّ بهم بها»
 - ۳- عذاب الهی تنها در آخرت نیست، در دنیا هم وجود دارد. «فی الحیاة الدنیا»
 - ۴- جان منافق، ارزش گرفتن ندارد، خود خارج می‌شود. «تَزْهَق»
 - ۵- منافق ثروتمند، سخت جان می‌دهد. «تزهق انفسهم»
 - ۶- مال و اولاد فراوان منافقان، زمینه‌ی کافر مردن آنان است. «فلا تعجبک اموالهم... تزهق انفسهم و هم کافرون»
 - ۷- به عاقبت امور توجّه کنید، نه به جلوه‌های آن. «فلا تعجبک اموالهم... تزهق انفسهم و هم کافرون»



۱۳

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سوره آل عمران، آیه سی و یکم

جلب محبت الهی - بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید. تا خدا نیز شما را دوست بدارد،
و گناهانتان را ببخشد. و خدا آمرزنده و مهربان است.



■ نکات:

درباره جایگاه پیامبر ولزوم اطاعت از او، در قرآن می‌خوانیم: «مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ» هر کس از پیامبر پیروی کند، قطعاً از خدا پیروی کرده است و در جای دیگر: بیعت با تو بیعت با خداست. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم فدایت، ما فرزندان خود را به نام‌های شما و پدرانمان می‌نامیم، آیا برای ما مفید است؟ حضرت فرمودند: مگر دین غیر از محبت است، خداوند فرموده: «ان كنتم تحبون الله فاتبعوني»

■ پیام:

- ۱- هر ادعایی با عمل ثابت می‌شود. «ان كنتم تحبون الله فاتبعوني»
- ۲- لازمه‌ی ایمان به خدا، پیروی از اولیای خداست. «فاتبعوني»
- ۳- هر کس در عمل سست است، در حقیقت پایه‌ی محبت او سست است. «تحبون... فاتبعوني»
- ۴- در راه اصلاح جامعه، از عواطف کمک بگیریم. «ان كنتم تحبون الله»
- ۵- عمل، سخن و سکوت رسول خدا، حجت و قابل پیروی است. «فاتبعوني»
- ۶- پیامبر معصوم است، زیرا فرمان پیروی عام و بی‌چون و چرا برای غیر معصوم، حکیمانه نیست. «قل... فاتبعوني»
- ۷- اگر می‌خواهید خداوند شما را دوست بدارد، باید از سنت رسول الله پیروی کنید. «فاتبعوني يحببكم الله»
- ۸- انسان می‌تواند به جایی برسد که رضای او، رضای خدا و پیروی از او، پیروی از خدا باشد. «فاتبعوني يحببكم الله»
- ۹- امتیاز دین الهی بر قوانین بشری، وجود عنصر محبت، الگوی عملی و صلاحیت قانون‌گزار است.

◀ ورق بزنید



«تَحَبُّونَ... فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»

۱۰- بهترین پاداش‌ها، پاداشِ معنوی است. محبوبیت نزد خدا و دریافت مغفرت، بهترین پاداش برای مؤمنان

است. «يُحِبُّكُمُ اللَّهُ»

۱۱- نشانه‌ی دوستی، سرپوش گذاردن روی بدی‌ها و برخورد با عفو و رحمت است. «يُحِبُّكُم... يَغْفِر لَكُمْ»

۱۲- کارهای نیک، مایه‌ی آموزش گناهان است. «فَاتَّبِعُونِي... يَغْفِر لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»

۱۳- اطاعت و پیروی از پیامبر، موجب دریافت عفو الهی است. «فَاتَّبِعُونِي... يَغْفِر لَكُمْ»

(۳۷) کار با سعی است نَبِيّ با ادّعا

لیس للانسان الا ما سعی

اسامی نفرات برتر مسابقه حفظ – متوسطه دوره اول



نفر سوم- سید محمد جواد موسوی راد (آشناسان)



نفر دوم- امیر محمد قربانی (فرمانیه)



نفر اول- سید محمد موسوی (گلستان)

اسامی نفرات برتر مسابقه حفظ – متوسطه دوره دوم



نفر سوم- علی ثنائی فر (کارگر)



نفر دوم- ابراهیم عبدوس (پاسداران)



نفر اول- محمد علی عبادتی (آشناسان)



۱۴

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

سوره آل عمران، آیه سی و دوم

بگو: از خدا و فرستاده (او) اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

پنجمین جشنواره قرآنی بهشت انس
مجتمع فرهنگی، آموزشی علامه طباطبایی

۴۴





■ نکات:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر آیات الهی، دستوراتی حکومتی داشت. دستوراتی که به تناسب زمان و مکان و افراد و شرایط تغییر می‌کرد. البته آنها نیز در پرتو وحی الهی بود، ولی در قرآن مطرح نگردیده بود و معنای اطاعت از رسول در کنار اطاعتِ خداوند، عمل به همان دستورات نبوی است.

■ پیام :

- ۱- رفتار و گفتار و کردار پیامبر حجت است، زیرا اطاعت از پیامبر در کنار اطاعت خداست.
«اطیعوا الله و الرسول»
- ۲- محبوب شدن یا منفور شدن در نزد پروردگار، به دست خود ماست. «فان تولّوا فانّ الله لا یحبّ الکافرین»
- ۳- سرپیچی از فرمان پیامبر، برابر با کفر است. «انّ الله لا یحبّ الکافرین»



۱۵

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

سوره قصص، آیه پنجم

حکومت جهانی مستضعفان - اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!



■ نکات:

کلمه‌ی «مَنّت» در این جا به معنای نعمت بزرگ و با ارزش است، نه مَنّت زبانی که بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران باشد و مسلماً کار زشت و ناپسندی است.

شکّی نیست که هرگاه اراده‌ی الهی بر تحقّق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی‌تواند سدّ راه آن گردد، قرآن می‌فرماید: همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقّق خواهد شد.

در روایات بسیار، حضرت مهدی علیه السلام و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق کامل این آیه معرفی شده است.

مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان‌های مختلفی در قرآن آمده است:

الف: خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند، وعده‌ی خلافت در زمین را داده است.

ب: بعد از آنکه اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.

ج: بندگان صالح، وارث زمین می‌شوند.

د: ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.

ه: ما ستمگران را نابود و بعد از آن شما را ساکن زمین می‌گردانیم.

مراد از مستضعفان در این آیه، با توجه به مجهول بودن فعل «استضعفوا»، کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته و استکبار آنها را به استضعاف کشیده باشد. (یس، ۸۲).

◀ ورق بزنید



■ پیام :

- ۱- حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است. «تُرید»
- ۲- در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کار آمد به ضعف کشانده می شوند. «استضعفوا»
- ۳- آینده از آن مستضعفان است. «نَجْعَلُهُم اَئِمَّةً...»
- ۴- امامت، همچون بعثت، نعمت ویژه‌ای است که خداوند بر مردم مَنّت می نهد.



اسامی نفرات برتر مسابقه اذان – متوسطه دوره دوم



نفر سوم- هیراد خواجه کرام الدین (کارگر)



نفر دوم- محمد کرکه آبادی (آبشناسان)



نفر اول- محمد هادی عبداللهی (آبشناسان)

اسامی نفرات برتر مسابقه قرائت – متوسطه دوره دوم



نفر چهارم- مهدی مقامی
(آبشناسان)



نفر سوم- محمد مبین
(پاسداران)



نفر دوم- مهدی محمدی
(پاسداران)



نفر اول- سید محمد جلال
(آبشناسان)



۱۶

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

سوره نساء ، آیه هشتاد و هفتم

تأکید بر وقوع معاد - خداوند معبودی جز او نیست و بطور قطع همه شمارا در روز رستاخیز که شک در آن نمی باشد. جمع می کند، و کیست که از خداوند راستگو تر باشد.





■ نکات:

- ۱- مبدأ و معاد هر دو به دست یک خداست. «الله لا اله الا هو لیجمعنکم...»
- ۲- قیامت روز جمع شدن همه برای حسابرسی است، پس باید در راه جلب رضای او کوشش کرد و تنها او را پرستید. «لیجمعنکم الی یوم القیامة»
- ۳- با آن همه دلایل بر معاد (مثل عدالت خدا، حکمت او، نشانه‌های رستاخیز در طبیعت و حیات آن پس از مرگ در زمستان، خواب و بیداری، تجدید سلول‌های بدن و ...) جایی برای تردید در قیامت نیست. «لاریب»
- ۴- هر جا که غفلت بیشتر باشد، مربّی باید هشدارهای قاطع‌تری دهد. (نشانه‌های تأکید در آیه: حرف لام، نون تأکید ثقیله، جمله «لاریب»، جمله «صدق حدیثاً»، همه به خاطر غفلت انسان از قیامت است.)



۱۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

سوره نساء، آیه چهل و هفتم

دقت در سنجش اعمال - ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورت هایی را محو کنیم، و سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آن ها را از رحمت خود دور سازیم. همان گونه که «اصحاب سبت» (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم، و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است.





■ نکات:

منظور از محو و برگشت چهره‌ها، می‌تواند، دگرگونی دل و فطرت سالم و عقل و هوش، از مسیر سعادت باشد، که در نتیجه‌ی لجاجت و سرسختی در برابر آیات الهی، بجای یک قدم به جلو، گامی به عقب می‌روند و چهره‌ی انسانی‌شان محو می‌شود. شاید هم منظور، برگشتِ ظاهری صورت به پشت سر و مسخ چهره باشد، یا تغییر شکل در قیامت. اصحاب سبت، یهودیان متخلفی بودند که فرمان خدا را مبنی بر تحریم صید ماهی در روزهای شنبه نافرمانی کرده و با یک نیرنگ، ماهیان را در روز شنبه حبس و روز یکشنبه صید می‌کردند. آنان به عذاب الهی گرفتار شدند و صورت‌هایشان به شکل میمون درآمد.

■ پیام:

- ۱- اسلام، پیروان ادیان دیگر را به دین خدا دعوت می‌کند. «یا ایها الذین اتوا الکتاب آمنوا»
- ۲- چهره‌های علمی و آگاهان جامعه، مسئول تر و مورد خطاب بیشتر خداوند هستند. «یا ایها الذین اتوا الکتاب آمنوا»
- ۳- در شیوه‌ی دعوت و تبلیغ، باید به اعتقادات و مشترکاتِ حقّ دیگران احترام گذاشت. «مصدقاً لما معکم»
- ۴- اصول کلی برنامه‌های همه‌ی انبیا، با هم هماهنگ است. «مصدقاً لما معکم»
- ۵- فرمان خداوند، قطعی است. «کان امرالله مفعولاً»



۱۸

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سوره سجده ، آیه هفدهم

بر خور داری از مواهب فوق تصور بهشتیان - هیچ کس نمی داند چه پاداش مهمی که مایه روشنی چشم‌ها می گردد برای آنها نهفته است.





■ نکات:

قرآن در مورد میزان پاداش‌های الهی چند تعبیر دارد. یک جا «ضِعْف» به معنای دو برابر، یک جا «أَضْعَافاً» به معنای چند برابر یک جا «عشر امثالها» به معنای ده برابر و در جای دیگر تشبیه به دانه‌ای که هفت خوشه بر آورد و در هر خوشه صد دانه باشد، یعنی هفتصد برابر؛ ولی این آیه فراتر از عدد و رقم را بازگو می‌کند و می‌فرماید: هیچ کس از پاداش این گروه از مؤمنان، که اهل نماز شب و انفاق هستند، آگاه نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ثواب هر کار نیکی در قرآن بیان شده است، مگر نماز شب؛ که جز خداوند کسی پاداش آن را نمی‌داند. سپس این آیه را تلاوت فرمود.»

■ پیام:

- ۱- سحر خیزی، نماز شب و کمک به محرومان، بالاترین پاداش‌ها را دارد. «فلا تعلم نفس»
- ۲- برخی پاداش‌های الهی، برای ما قابل درک نیست. «فلا تعلم نفس»
- ۳- در شیوه‌ی تربیت، گاهی باید نوع و مقدار تشویق و پاداش مخفی باشد. «ما أخفی لهم»
- ۴- عبادت مخفی، پاداش‌های مخفی دارد.
- ۵- برای دریافت پاداش بی حساب، سختی سحر خیزی را بر خود هموار کنیم.
- ۶- سعدیا گرچه سخندان و نصیحت گوئی
به عمل کار برآید به سخندانی نیست. «بما كانوا يعملون»



۱۹

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

سوره عنكبوت ، آیه چهل و پنجم

عامل جلوگیری از ارتکاب گناه - آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را بر پا دار که نماز (انسان) را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد. و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید.



■ نکات:

در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیروبخش می‌باشند. خداوند به پیامبرش از یک مسئولیت سنگین خبر می‌دهد و به او می‌فرماید: برای انجام این مسئولیت سنگین، از دو منبع نیروبخش کمک بگیر:

یکی تلاوت قرآن. «و تَلَّ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»
و دیگری نماز شب.
البته علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است.

برای جمله «لذکر الله اکبر» چند معنا بیان شده است:

الف: نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهی است. به دلیل آیه‌ی «أقم الصلاة لذكری» که نماز را ذکر خداوند می‌داند.

ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است.

ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است.

د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر چیز دیگری است.

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یارده نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز

◀ ورق بزنید



داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

■ پیام :

- ۱- تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. «أَتْلُ - أَقِمُ»
- ۲- قرآن و نماز، در رأس برنامه‌های تربیتی است. «أَتْلُ - أَقِمُ»
- ۳- رابطه پیامبر با مردم از طریق تلاوت آیات قرآن و ابلاغ اوامر خداوند به آنان و رابطه او با خدا از طریق عبادت و نماز است. «أَتْلُ - أَقِمُ»
- ۴- در پیشگاه خداوند، نماز از عظمت و جایگاه خاصی برخوردار است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ» (تکرار کلمه‌ی «صلاة»)
- ۵- اگر نماز انسان، او را از فحشا و منکر باز نداشت، باید در قبولی نماز خود شک کند. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى»

اسامی نفرات برتر مسابقه مفاهیم - متوسطه دوره اول



نفر سوم - امیرحسین جوکار
(آبشناسان)



نفر دوم - سینا خانی
(گلستان)



نفر اول - امیرحسین نقی
(رازلیقی (گلستان)



نفر چهارم - مهدی بهنامی فر
(میرداماد)



نفر چهارم - علی برقیان
(فرمانیه)



۲۰

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ
سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

سوره توبه ، آیه صد و سوم

زکات مایه پاکی و آرامش است - از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست.



■ نکات:

آیه در ماه رمضان سال دوّم هجری در مدینه نازل شد و پیامبر فرمود: ندا دهند که خداوند، زکات را نیز همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند.

■ پیام:

- ۱- یکی از وظایف حاکم اسلامی، گرفتن زکات از مردم است. «خذ»
- ۲- زکات، بخش کوچکی از سرمایه‌ی شماست، با دلگرمی آن را پرداخت کنید. «من اموالهم»
- ۳- پرداخت زکات، نشانه‌ی صداقت انسان در ادّعی ایمان است. «صدقة»
- ۴- زکات، عامل پاکی روح از بخل، دنیا پرستی و مال دوستی است. «تطهّروهم»
- ۵- زکات، موجب رشد فضایل اخلاقی در فرد و جامعه است. «تزکّیهم»
- ۶- فقر، عامل بسیاری از مفاسد است و تأمین زندگی محرومین به وسیله‌ی زکات، جامعه را از بخشی از مفاسد پاک می‌سازد. «تطهّروهم»



۲۱

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

سوره آل عمران ، آیه صد و شصت و نهم

مقام شهید- هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

پنجمین جشنواره قرآنی بهشت انس
مجتمع فرهنگی، آموزشی علامه طباطبایی

۶۲



■ نکات:

ما بر مبنای قرآن که شهیدان را زنده می‌داند، به شهدای راه اسلام و خصوصاً شهدای کربلا سلام کرده، با آنان حرف می‌زنیم و توسل می‌جوییم. ابوسفیان در پایان جنگ احد با صدای بلند فریاد می‌زد: این هفتاد کشته‌ی مسلمانان در احد، به عوض هفتاد کشته‌ی ما در جنگ بدر. ولی رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کشته‌های ما در بهشت جای دارند، ولی کشتگان شما در دوزخند.

■ نکاتی پیرامون شهید و شهادت

- ۱- در روایات آمده است که شهید، هفت ویژگی اعطایی از جانب خداوند دارد: اولین قطره‌ی خونس، موجب آموزش گناهانش می‌گردد. به لباس‌های بهشتی آراسته می‌گردد. معطر به خوش‌بوترین عطرها می‌شود. جایگاه خود را در بهشت مشاهده می‌کند. اجازه‌ی سیر و گردش در تمام بهشت به او داده می‌شود.
- ۲- پیامبر صلی الله علیه وآله از شخصی شنید که در دعا می‌گوید: خدایا! بهترین چیزی که از تو درخواست می‌شود به من عطا کن، فرمود: اگر این دعا مستجاب شود، در راه خدا شهید می‌شود.
- ۳- در روایت آمده است: بالاتر از هر نیکی، نیکوتری هست، مگر شهادت که هرگاه شخصی شهید شود، بالاتر از آن خیری متصور نیست
- ۴- در روز قیامت، شهید مقام شفاعت دارد.

◀ ورق بزنید



■ پیام :

- ۱- شهادت، پایان زندگی نیست، آغاز حیات است. بسیاری از انسان‌ها پس از مدتی مردند و فراموش شدند، ولی کشتگان راه خدا زنده‌اند.
«بل أحياء»
- ۲- شهادت، باختن و از دست دادن نیست؛ بلکه یافتن و به دست آوردن است. «بل أحياء... بربزقون»
- ۳- کشته شدن، آنگاه ارزشمند است که در راه خدا باشد. «قتلوا فی سبیل الله»
- ۴- تصوّر هلاکت و یا خسارت برای شهید، تفکّر انحرافی است که باید اصلاح شود. «لا تحسبن»



اسامی نفرات برتر مسابقه مفاهیم - متوسطه دوره دوم



نفر سوم - محمد حسین
حکمتیان (شریعتی)



نفر دوم - محمد حسین
خلجی (پاسداران)



نفر اول - عرفان فرمهینی
(پاسداران)



نفر چهارم - امیر مهدی
مکرمی (آشناسان)



نفر چهارم - محمد حسین
کرانی (پاسداران)



۲۲

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ
وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

سوره آل عمران ، آیه صد و دهم

امر به معروف و نهی از منکر - شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (چه اینکه) امر به معروف می‌کنید. و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند به سود آنهاست (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می‌باشند.



■ نکات:

- ۱- بهترین اَمّت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است. «کنتم خیر اَمّة... تأمرون...»
- ۲- در اَمّتِ ساکت و ترسو خیری نیست. «خیر اَمّة... تأمرون... تنهون»
- ۳- امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن معیار امتیاز اَمّت‌هاست. «کنتم خیر اَمّة»
- ۴- سفارش به خوبی‌ها بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است. «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»
- ۵- هر یک از افراد اَمّت باید امر به معروف و نهی از منکر کند. (یک دختر ۹ ساله نیز حقّ امر به معروف و نهی از منکر رئیس جمهور را دارد) «تأمرون... تنهون»
- ۶- در امر به معروف، سنّ، منطقه، نژاد، سواد و موقعیت اقتصادی و اجتماعی نقشی ندارد. «خیر اَمّة... تأمرون... تنهون»
- ۷- انسان، در انتخاب راه آزاد است. «منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون»



۲۳

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سوره آل عمران ، آیه صد و چهارم

مايه رستگاری - بايد از ميان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند!
و آنها همان رستگار اند.



■ نکات:

- ۱- در جامعه اسلامی، باید گروهی بازرس و ناظر که مورد تأیید نظام هستند، بر رفتارهای اجتماعی مردم نظارت داشته باشند. «ولتکن منکم امة»
- ۲- اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد، بدون قدرتِ منسجم و مسئول مشخص امکان ندارد. «منکم امة»
- ۳- دعوت‌کننده‌ی به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد. لذا بعضی از مردم این وظیفه را به عهده دارند، نه همه آنها. «منکم امة»
- ۴- دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، باید به صورت دائمی باشد، نه موقتی. «یدعون، یأمرون، ینهون»
- ۵- امر به معروف، بر نهی از منکر مقدم است. اگر راه معروف‌ها باز شود، زمینه برای منکر کم می‌گردد. «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»



۲۴

آتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَتَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ

سوره بقره ، آیه چهل و چهارم

تبلیغ عملی - آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او برای شما در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید در حالیکه شما خودتان کتاب آسمانی را می خوانید، آیا هیچ فکر نمی کنید!





■ نکات:

دانشمندان یهود، قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، مردم را به ایمان آوردن به آن حضرت دعوت می‌کردند و بشارت ظهور حضرت را می‌دادند، اما هنگام ظهور، خودشان ایمان نیاوردند و حتی بعضی از آنان به بستگان خود که اسلام آورده بودند، توصیه می‌کردند که مسلمان بمانند، ولی خودشان اسلام نمی‌آوردند.

در روایات آمده است:

دانشمندی که دیگران را به بهشت دعوت کند، ولی خودش اهل جهنم باشد، بزرگترین وسخت‌ترین حسرت‌ها را خواهد داشت.

حق تلاوت قرآن، عمل به آن است. امام صادق علیه السلام فرمود: با اعمال خودتان مردم را دعوت کنید، نه تنها با گفتار. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: سوگند که من شما را به کاری دعوت نمی‌کنم، مگر آنکه خودم پیشگام باشم و از کاری نهی نمی‌کنم مگر آنکه خودم قبل از شما آن را ترک کرده باشم. امام کاظم علیه‌السلام فرموده‌اند: درود بر عالمانی که به گفته خود عمل می‌کنند و وای بر عالمانی که فقط حرف می‌زنند.

■ عالم بی‌عمل در قالب تمثیل

الف: در قرآن:

عالم بی‌عمل، الاغی است که بار کتاب حمل می‌کند، ولی خود از آن بهره‌ای نمی‌برد.

ورق بزنید ◀



ب: در روایات:

* رسول خدا صلی الله علیه وآله: عالم بی عمل، مثل چراغی است که خودش می سوزد، ولی نورش به مردم می رسد.

* رسول خدا صلی الله علیه وآله: عالم بی عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.

ج: در کلام اندیشمندان:

عالم بی عمل:

گرسنه‌ای است روی گنج خوابیده.

تشنه‌ای است بر کنار آب و دریا.

طبیعی است که خود از درد می نالد.

بیماری است که دائماً نسخه درمان را می خواند، ولی عمل نمی کند.

منافقی است که سخن و عملش یکی نیست.

پیکری است بی روح.

■ پیام :

۱- آمران به معروف، باید خود عامل به معروف باشند. «تأمرن الناس بالبرّ و تنسون انفسکم»

۳- تلاوت کتاب آسمانی کافی نیست، تعقل لازم است. «تتلون الكتاب افلا تعقلون»

۴- خود فراموشی، نشانه‌ی بی خردی است. «افلا تعقلون»



مراسم اختتامیه جشنواره قرآنی بهشت اُنس



۲۵

فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

سوره بقره ، آیه صد و پنجاه و دوم

ذکر خدا - پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، و شکر مرا گوئید و کفران (در برابر نعمت‌ها) نکنید.



■ نکات:

خداوند در برخی آیات می‌فرماید: نعمت‌های مرا یاد کنید. ولی در این آیه می‌فرماید: یاد خود من باشید و این به‌خاطر درجات شناخت و معرفت مردم است. بگذریم که یاد خداوند، زمینه‌ساز شکر است و لذا بر شکر مقدّم شده است.

این آیه، نشانگر نهایت لطف خداوند به بنده است. انسانی که جهل، فقر، فنا و حقارت، از ویژگی‌های اوست، چقدر مورد لطف قرار گرفته که خداوندِ علیم، غنی، باقی و عزیز به او می‌گوید: مرا یاد کن تا ترا یاد کنم. مگر یاد کردن ما چه ارزشی دارد؟ مگر نه این است که یاد کردن ما نیز خود توفیقی از سوی خداوند است؟ یاد کردن خدا تنها با زبان نیست، با دل و جان باید خدا را یاد کرد. یاد خدا هنگام گناه و دست کشیدن از آن، یاد واقعی است. و بهترین نوع یاد کردن خداوند، نماز است.

خداوند، با انسان داد و ستد می‌کند و هیچ‌کاری از انسان را بی‌بهره نمی‌گذارد. امام باقر علیه‌السلام در ذیل این آیه، یکی از مصادیق ذکر خدا را، تسبیحات حضرت زهرا شمردند که ۳۴ مرتبه الله‌اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان‌الله می‌باشد.

■ موانع ذکر خداوند:

الف: شیطان. شیطان، آنها را از یاد خدا غافل کرد.

ب: تکاثر و رقابت‌ها. شما را افزون‌خواهی، سرگرم ساخت.

ج: آرزوها و خیال. آرزو، آنها را سرگرم نمود.

◀ ورق بزنید



■ اثرات یاد خدا:

- * یاد نعمت‌های او، رمز معرفت و شکر اوست.
- * یاد قدرت بی پایان او، رمز توکل به اوست.
- * یاد علم و آگاهی او، رمز حیا و تقوای ماست.
- * یاد الطاف او، رمز محبت به اوست.

■ پیام:

- ۱- خداوند، به انسان شخصیت می‌بخشد و مقام انسان را تا جایی بالا می‌برد که می‌فرماید: تو یاد من باش، تا من هم یاد تو باشم. «اذکرونی اذکرکم»
- ۲- کسانی مشمول لطف خاص هستند، که همواره به یاد خدا باشند. «اذکرونی اذکرکم»
- ۳- ذکر خدا و نعمت‌های او، زمینه‌ی شکر و سپاس است. چنانکه غفلت از یاد خدا، مایه‌ی کفران است. «اذکرونی، اشکروا لی و لاتکفرون»



رقابت دانش‌آموزان در جشنواره قرآنی بهشت آنس



۲۶

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

سوره حجرات ، آیه سیزدهم

تقوا - ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم. و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم. تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شماست، خداوند دانا و آگاه است .



■ نکات:

چون مسخره و غیبت کردن، برخاسته از روحیه‌ی خودبرتربینی و تحقیر دیگران است، این آیه می‌فرماید: ملاک برتری و کرامت، تقواست، نه جنس و نژاد. در این آیه به سه اصل مهم اشاره شده است: اصل مساوات در آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در ویژگی‌های بشری و اصل این‌که تقوا ملاک برتری است.

■ پیام:

- ۱- مرد یا زن بودن، یا از فلان قبیله و قوم بودن، ملاک افتخار نیست که اینها کار خداوند است. «خلقنا، جعلنا»
- ۲- تفاوت‌هایی که در شکل و قیافه و نژاد انسان‌ها دیده می‌شود، حکیمانه و برای شناسائی یکدیگر است، نه برای فخر فروشی. «لتعارفوا»
- ۳- کرامت در نزد مردم زودگذر است، کسب کرامت در نزد خداوند مهم است. «اکرمکم عندالله»
- ۴- قرآن، تمام تبعیض‌های نژادی، حزبی، قومی، قبیله‌ای، اقلیمی، اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را مردود می‌شمارد و ملاک فضیلت را تقوا می‌داند. «ان اکرمکم عندالله أتقاکم»
- ۵- برتری جویی، در فطرت انسان است و اسلام مسیر این خواسته‌ی فطری را تقوا قرار داده است. «ان اکرمکم عندالله أتقاکم»
- ۶- ادعای تقوا و تظاهر به آن نکنیم که خدا همه را خوب می‌شناسد. «علیم خبیر»



۲۷

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ
الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

سوره نساء ، آیه صد و بیست و چهارم

ایمان همراه عمل صالح - و کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالیکه ایمان کامل داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.



■ نکات:

کلمه‌ی «نقییر» از نوک‌زدن گرفته شده و به گودی هسته‌ی خرما که گویا نوک خورده است، گفته می‌شود.

■ پیام:

- ۱- عامل ورود به بهشت، ایمان و عمل صالح است، نه نژاد و ادّعا و آرزو «من يعمل من الصالحات...»
- ۲- همه‌ی نژادها، رنگ‌ها، ملل و طبقات، در بهره‌گیری از لطف خدا یکسانند. «من يعمل»
- ۳- با انجام قسمتی از کارهای صالح، به بهشت امید داشته باشید. چون کمال بی‌نهایت است «من الصالحات»
- ۴- زن و مرد، در رسیدن به کمالات معنوی برابرنند. «من ذکر و أنثی» بر خلاف اعتقادات گروهی از یهود و مسیحیان.
- ۵- ایمان، شرط قبولی اعمال است و خدمات انسان‌های بی‌ایمان، در همین دنیا جبران می‌شود و ارزش اخروی ندارد. «من يعمل... و هو مؤمن»
- ۶- جزای مؤمن نیکوکار بهشت است. «فأولئك يدخلون الجنة»
- ۷- کارهای نیک، گرچه اندک باشد ارزش دارد. «ولا یظلمون نقییراً»



۲۸

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

سوره مریم ، آیه نود و ششم

بر خور داری از محبوبیت خدا - کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند رحمن محبت آنها را در دل‌های افکند.



■ نکات:

بارها دیده‌ایم که هرگاه انسان‌های با ایمان و صالح از دنیا می‌روند، حتّی افراد لاابالی و فاسق هم در غم فرو می‌روند و ناخودآگاه به عزا می‌نشینند و اشک می‌ریزند و یادش را گرامی داشته، قبرش را زیارت می‌کنند و یا خاطراتش برای دیگران بازگو می‌کنند. همه این‌ها به خاطر فطرت پاک و کمال دوستی انسان است. آری، کسی که تنها به خدا دل ببندد، خداوند هم دل‌های مردم را به او متوجّه می‌کند. کسی که به یاد خدا باشد، خداوند او را یاد می‌کند. «فاذکرونی اذکرکم» از امام صادق علیه السلام روایت شده است: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پاداشی است که خدا به مؤمنان دارای عمل صالح می‌دهد. و نظیر این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد مهر و محبّت اهل ایمان به علیّ علیه السلام آمده است.

■ پیام:

- ۱- ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان، کارساز نیست. «آمنوا و عملوا...»
- ۲- ایمان و کار شایسته، کلید محبوبیت نزد مردم است. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ... وَدًّا»
- ۳- محبوب شدن به دست خداست. «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ» دلها نیز به دست اوست.
- ۴- محبوب شدن، رحمتی الهی است که نصیب مؤمنان و صالحان می‌شود. «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ»
- ۵- ممکن است امروز به کار شایسته‌ی شما توجه نشود، ولی صبر و تلاش مداوم شما، در آینده به ثمر خواهد نشست. «سَيَجْعَلُ...»
- ۶- محبوبیت، از الطاف و پاداش‌های الهی در دنیا است. «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وَدًّا» (مؤمنان و صالحان علاوه بر پاداش آخرت، در همین دنیا نیز پاداش می‌گیرند)



۲۹

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

سوره فرقان ، آیه شصت و سوم

بر خور داری از محبوبیت خدا - کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند رحمن محبت آنها را در دل‌های افکند.



■ نکات:

شاید مراد از «مشی» و حرکت آرام در زمین، تنها نحوه‌ی راه رفتن نباشد، بلکه شیوه‌ی زندگی متعادل را هم شامل شود.

«هَوْن» هم به معنای تواضع و مدارا و نرمخویی است و هم به معنای سکینه و وقار. امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «هونا» زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگ با روحیه‌ای است که خداوند آفریده است. یعنی بندگان خدا، خود را به رنج نمی‌اندازند. کلمه‌ی «سلام» در این جا به معنای سلام و دُعا با یاهوها و برخورد مسالمت آمیز است. چنانکه درباره‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام می‌خوانیم: همین که عموبیش او را طرد کرد و گفت: از من دور شو، ابراهیم گفت: «سلام علیک سَأستغفر لک» خداحافظ، به زودی برای تو از پیشگاه خداوند طلب آمرزش خواهیم کرد..

■ پیام:

- ۱- بالاترین مدال برای انسان، مدال بندگی خداست. «و عباد الرحمن» زیرا انتساب به بی‌نهایت، انسان را بالامی برد.
- ۲- رفتار هر کس، نشان دهنده‌ی شخصیت اوست.
- ۳- «عباد الرحمن ... یمشون علی الارض هونا» (بندگان خاص خداوند، مظهر تواضع هستند).
- ۴- اسلام، دین جامعی است که حتی برای چگونه راه رفتن برنامه دارد. «یمشون علی الارض هونا»
- ۵- ایمان و اعتقاد انسان، در رفتار شخصی او مؤثر است. «عباد الرحمن... یمشون»
- ۵ - تواضع، ثمره‌ی بندگی و نخستین نشانه‌ی آن است. «هونا»

ورق بزنید ◀



- ۶- سرچشمه‌ی مدارا و نرم‌خویی بندگان خدا، ایمان است، نه ترس و ضعف آنان.
«عباد الرحمن الذین یمشون...»
- ۷- وقار و نرمی از بارزترین صفات مؤمن است. «یمشون... هونا»
- ۸- تواضع نسبت به همه‌ی مردم لازم است. (نسبت به زن و مرد، کوچک و بزرگ، دانا و نادان).
«یمشون... هونا... قالوا سلاما»
- ۹- با جاهلان مقابله به مثل نکنید. «إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما»





رقابت دانش آموزان در جشنواره قرآنی بهشت انس



۳۰

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

سوره كهف ، آيه صد و دهم

اخلاص - بگو من هم مثل شما بشری هستم (ولی) به من وحی می‌شود. که خدای شما یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد. باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.



■ نکات:

در این آیه هم توحید، «آله واحد» هم نبوت، «یوحی الی» و هم معاد، «لقاء ربّه» هم امید به رحمت الهی، «یرجو» هم تلاش در رسیدن به آن، «فلیعمل» و هم اخلاص در عمل «لایُشْرک» آمده است. از این جهت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر تنها آیه‌ی آخر سوره‌ی کهف بر امت من نازل می‌شد، برای آنان کافی بود. امام رضا علیه السلام مأمون را در حال وضو گرفتن دید که غلامش روی دست او آب می‌ریزد، امام با تلاوت جمله‌ی «ولا یشرک بعبادة ربّه احداً» به او فهماند که در وضو و کارهای عبادی، کمک گرفتن شرک، و موجب بطلان عمل است. در حدیث آمده است: هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر ساعتی که بخواهد از خواب بیدار می‌شود. (تفسیر درّالمنثور)

■ پیام:

- ۱- نباید خود را بیش از آنچه هستیم معرفی کنیم، پیامبران خود را بشر می‌دانستند. «أنا بشر مثلکم»
- ۲- شرط نبوت، انسان بودن است تا پیامبر در عمل نیز الگوی دیگر انسان‌ها باشد. «أنا بشر مثلکم»
- ۳- امید در انسان باید به صورت یک حالت دائمی و پیوسته باشد، نه لحظه‌ای. «فمن کان یرجو»
- ۴- امید بدون عمل، کارساز نیست. «یرجو، فلیعمل»
- ۵- مرگ برای همه حتمی است، اما ارزشمندتر آن است که انسان آرزوی ملاقات با خدا را داشته باشد. «یرجو لقاء ربّه»
- ۶- ارزش کارها در سه جهت است: اصل کار، انجام دهنده‌ی کار و نیت و هدف آن. در این آیه هر سه جهت آمده است. «عملاً صالحاً، من کان یرجو، و لایشرک بعبادة ربّه»



۳۱

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

سوره نساء ، آیه هشتادم

لزوم اطاعت از پیامبر - کسی که از پیامبر اطاعت کند. اطاعت خدا کرده و کسی که سر باز زند. تو در برابر او مسؤول نیستی.



■ نکات:

- ۱- سخن و رفتار پیامبر همچون قرآن، حجت و لازم الاجراست. «من يطع الرسول...»
- ۲- اطاعت از اوامر حکومتی پیامبر واجب است. (مراد از اطاعت رسول، فرمان‌های حکومتی اوست، وگرنه اطاعت از دستورات الهی که با بیان رسول ابلاغ می‌شود، اطاعت از خداست نه رسول.) «من يطع الرسول»
- ۳- انبیا معصومند. «من يطع الرسول فقد اطاع الله»
- ۴- اوامر پیامبر، پرتوی از اوامر الهی و در طول آن است. «يطع الرسول فقد اطاع الله»
- ۵ - انسان، مختار است، نه مجبور. «من يطع... و من تولى»
- ۶- وظیفه‌ی پیامبران، تبلیغ است، نه تحمیل. «و من تولى فما أرسلناك عليهم حفيظاً»



۳۲

مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

سوره حشر ، آیه هفتم

جلوگیری از انباشتن ثروت - آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش باز گرداند از آن خدا، و رسول، خویشاوندان او و یتیمان، و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد. آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید، و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده خودداری نمایید. از مخالفت خدا پرهیزید که خداوند شدیدالعقاب است.



نکات:

- ۱- قوانین قرآن، کلی است، نه مخصوص به شأن و زمان نزول. (قانون فیئ مربوط به تمام مواردی است که کفار آن را رها کرده و رفته‌اند. «ما افاء الله علی رسوله من اهل القری»
- ۲- اموال کفار فراری، در اختیار رهبر دینی است. «ما افاء الله علی رسوله»
- ۳- نظام اسلامی به پشتوانه اقتصادی نیاز دارد که یکی از آنان فیئ و اموالی است که بدون جنگ، به خاطر فرار یا متار که کفار نصیب مسلمانان می‌شود. «ما افاء الله علی رسوله...»
- ۴- رعایت ادب و شئون، در سخن لازم است. (ابتدا نام خدا، سپس رسول خدا و سپس دیگران). «لله و للرسول...»
- ۵- سهم خداوند، زیر نظر پیامبر در راه رضای خدا مصرف می‌شود. «فلله...»
- ۶- فقرزدایی، جزء برنامه‌های اصلی اسلام است. «و المساکین»
- ۷- برنامه‌ریزان اقتصادی در نظام اسلامی باید به تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست یک گروه خاص توجه داشته باشند. «کی لایکون دوله بین الاغنیاء...»
- ۸- اطاعت از فرامین پیامبر واجب است، زیرا پیامبر معصوم است. «ما آتاکم الرسول فخذوه...»
- ۹- سنت پیامبر، لازم الاجرا است. «ما آتاکم الرسول فخذوه»
- ۱۰- لازم نیست تمام دستورات در قرآن آمده باشد، بلکه هر امر و نهی که در سخنان پیامبر آمده باشد باید اطاعت شود. «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»
- ۱۰- در انجام فرمان پیامبر، سرعت به خرج دهیم.



۳۳

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

سوره احزاب ، آیه بیست و یکم

الگو بودن پیامبر - برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز
رستاخیز دارند، و خدا را بسیار یاد می کنند.

پنجمین جشنواره قرآنی بهشت انس
مجتمع فرهنگی، آموزشی علامه طباطبایی

۹۴



نکات:

«أسوة» در مورد تأسی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار می‌رود. در قرآن دوبار این کلمه درباره‌ی دو پیامبر عظیم الشان آمده است: یکی درباره حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگری درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله. جالب آن که أسوه بودن حضرت ابراهیم در برائت از شرک و مشرکان است و اسوه بودن پیامبر اسلام در آیات مربوط به ایستادگی در برابر دشمن مطرح شده است. نقش پیامبر در جنگ احزاب، الگوی فرماندهان است: هدایت لشکر، امید دادن، خندق کردن، شعار حماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت نمودن. حضرت علی علیه السلام فرمود: در هنگامه‌ی نبرد، خود را در پناه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قرار می‌دادیم و آن حضرت از همه‌ی ما به دشمن نزدیک‌تر بود. این آیه در میان آیات جنگ احزاب است: **أَمَّا الْكُوفُؤُودُ الْيَوْمَ فَأَكْثَرُهُمْ لِلْكَافِرِينَ وَلِلْكَافِرِ الْأَعْرَابِ وَالْأَسْوَءِ الْبَلَاغَةِ** (نهیج البلاغه، حکمت ۲۶۰)

پیام:

- ۱- در الگو بودن پیامبر شک نکنید. «لقد»
- ۲- الگو بودن پیامبر، دائمی است. «کان»
- ۳- گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر حجت است. «لکم فی رسول الله أسوة حسنة»
- ۴- معرفتی الگو، یکی از شیوه‌های تربیت است. «لکم - اسوة»
- ۵- باید الگوی خوب معرفتی کنیم، تا مردم به سراغ الگوهای بدلی نروند. «رسول الله اسوة»
- ۶- بهترین شیوه‌ی تبلیغ، دعوت عملی است. «أسوة»
- ۷- کسانی می‌توانند پیامبر اکرم را الگو قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و یاد خدا باشد. «لمن کان یرجو الله...»
- ۸- الگوها هر چه عزیز باشند؛ اما نباید انسان خدا را فراموش کند. «رسول الله أسوة - ذکر الله کثیرا»



۳۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

سوره نساء ، آیه پنجاه و نهم

وچوب اطاعت از اولی الامر - ای کسانی که ایمان آورده اید. اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را، و هرگاه در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.



■ نکات:

این آیه به وظیفه‌ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولی الامر» هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه و عهدنامه مالک اشتر فرمودند: مراد از مراجعه به خدا و رسول، مراجعه به آیات محکمت و سنتی که همه بر آن اتفاق داشته باشند. حضرت علی علیه السلام فرمود: هر حاکمی که به غیر از نظر اهل بیت معصوم پیامبر علیهم السلام قضاوت کند، طاغوت است.

■ پیام:

- ۱- مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و عمل پشتیبانی کنند. «اطيعواالله و اطيعواالرسول و اولی الامر منکم»
- ۲- اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولی الامر که امری سیاسی است، به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است. «اطيعواالله و اطيعواالرسول و اولی الامر»
- ۳- سلسله مراتب در اطاعت باید حفظ شود. «الله، الرسول، اولی الامر»
- ۴- اولی الامر باید همچون پیامبر معصوم باشند، تا اطاعت از آنها در ردیف اطاعت پیامبر، بی‌چون و چرا باشد. «اطيعواالرسول و اولی الامر»
- ۵ - اطاعت از حاکمی واجب است که مؤمن و از خود مردم با ایمان باشد. «اطيعوا... منکم»

◀ ورق بزنید



- ۶- نام اولی الامر در کنار نام خدا و رسول، همراه با اطاعت مطلق، نشان آن است که مسؤول حکومت و نظام اسلامی باید از قداست والایی برخوردار باشد. «اطيعواالرسول و اولی الامر»
- ۷- نشانه‌ی ایمان واقعی، مراجعه به خدا و رسول، هنگام بالا گرفتن درگیری‌هاست و اطاعت در شرایط عادی کار مهمی نیست. «فان تنازعتم»
- ۸ - یکی از وظایف حکومت اسلامی ایجاد وحدت و حل درگیری‌ها است. «ان تنازعتم...»
- ۹- دین کامل باید برای همه‌ی اختلاف‌ها، راه حل داشته باشد. «فی شیء فردوه الی الله و الرسول»



مقامات
کلیات

مقامات
کلیات

مراسم اختتامیه و اهدای جوایز جشنواره قرآنی بهشت آنس



۳۵

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

سوره آل عمران، آیه شصت و یکم

آیه مباحله- پس هر کس با تو (درباره عیسی) در مقام مجادله برآید بعد از آنکه آگاهی یافتی، بگو: بیایید (ما و شما) بخوانیم فرزندان و زنان و نفوس خود را تا با هم به مباحله برخیزیم (به پیشگاه خدا دعا کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.



نکات:

واژه‌ی «نَبْتَهَل» از ریشه‌ی «اِبْتِهَال» به معنای باز کردن دست‌ها و آرنج‌ها برای دعا، به سوی آسمان است و این آیه به دلیل این واژه، به آیه‌ی مباحله معروف گشته است. مباحله، یعنی توجّه و تضرّع دو گروه مخالف یکدیگر، به درگاه خدا و تقاضای هلاکت برای طرف مقابل که از نظر او اهل باطل است.

در تفاسیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می‌خوانیم که در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران از بلاد یمن شدند. مسیحیان نجران نیز هیئتی را به نمایندگی از سوی خود برای گفتگو با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه گسیل داشتند. با وجود گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر صلی الله علیه و آله ردّ و بدل شد، باز هم آنان بهانه‌جویی کرده و در حقانیت اسلام ابراز تردید می‌کردند.

این آیه نازل شد و خطاب به پیامبر فرمود: به کسانی که با تو جدال کرده، و از قبول حقّ، شانه خالی می‌کنند، بگو: بیاوید با فراخواندن فرزندان و زنان و خودمان، خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و اِبْتِهَال بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت، معلوم می‌شود که راه او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم. هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران، پیشنهاد مباحله را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر ماندند. آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بزرگ نصاری به آنها گفت: شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر و صدا و جمعیتی انبوه برای نفرین می‌آید، نگران نباشید و بدانید که خبری نیست، ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد، از انجام مباحله صرف‌نظر و با او مصالحه کنید.

روز مباحله، آنها دیدند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون



آمدند. آن دو کودک، حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان، علی بن ابی طالب علیهما السلام و آن زن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. اُسقف مسیحیان گفت: من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود، کنده می‌شود. اگر این افراد نفرین کنند، یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی‌ماند. لذا از مباحله اعلام انصراف کرده و حاضر به مصالحه شدند. این ماجرا، علاوه بر تفاسیر شیعه، در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده است. روز مباحله، بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه بوده و محل آن در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله در بیرون شهر مدینه بوده که اکنون داخل شهر قرار گرفته و در آن محل، مسجدی به نام «مسجد الاجابه» ساخته شده است. فاصله‌ی این مسجد تا مسجد النَّبی تقریباً دو کیلومتر است.

■ پیام:

- ۱- اگر انسان ایمان به هدف داشته باشد، حاضر است خود و نزدیک‌ترین بستگانش را در معرض خطر قرار دهد. «من بعد ما جائک من العلم»
- ۲- آخرین برگ برنده و سلاح بُرنده مؤمن، دعاست. «فقل تعالوا ندع»
- ۳- زن و مرد در صحنه‌های مختلف دینی، در کنار همدیگر مظهرند. «نساءنا»
- ۴- در دعا، حالات اهل دعا مهم است، نه تعداد آنها. گروه مباحله‌کننده پنج نفر بیشتر نبودند. «ابنائنا، نساءنا، انفسنا»
- ۵- علی بن ابی طالب علیهما السلام، جان رسول الله صلی الله علیه و آله است. «انفسنا»
- ۶- در مجالس دعا، کودکان را نیز با خود ببریم. «ابنائنا»
- ۷- اگر مؤمنان محکم بایستند، دشمن به دلیل باطل بودنش عقب نشینی می‌کند. «ندع... نبتهل»

إِنهَذَا الْقُرْآنُ هَدِيَّةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا



میدیس بن جشنواره قرآنی بهشت



اهدای جوایز به برندگان جشنواره قرآنی بهشت انس



۳۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي
سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

سوره مائده ، آیه سی و پنجم

وسيله تقرب به خداوند- ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله تقرب به خدا را انتخاب کنید که وسیله همان تقوا باشد و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.



■ نکات:

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: بهترین وسیله‌ای که می‌توان با آن به خدا نزدیک شد ایمان به خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او و کلمه‌ی اخلاص و اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات و روزه گرفتن ماه رمضان و حج و عمره و صله‌ی رحم و انفاق‌های پنهانی و آشکار و کارهای نیک است.

اهل بیت علیهم السلام همان ریسمان محکم و وسیله‌ی تقرّب به خداوند هستند.

توسّل، موضوعی است که در کتب بسیاری از اهل سنّت مثل «صواعق» ابن حجر، «سنن» بیهقی، «صحیح» دارمی و «وفاء الوفاء» درباره آن روایت نقل شده است. ضمناً آیات ۶۴ نساء، ۹۷ یوسف و ۱۱۴ توبه نیز می‌تواند سند توسّل باشد.

■ پیام:

- ۱- ایمان «آمنوا»، تقوا «اتَّقُوا اللَّهَ»، شفاعت «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» و جهاد «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ»، راه سعادت و رستگاری است. «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»
 - ۲- برای رسیدن به فلاح، هم باید گناهان را ترک کرد، «اتَّقُوا اللَّهَ» هم باید طاعات را انجام داد.
 - ۳- کارهای خیر همه زمینه و وسیله‌ی سعادتند. (البته اگر با گناه خود آن زمینه‌ها را از بین نبریم)
- «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»



۳۷

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

سوره مائده ، آیه پنجاه و پنجم

آیه ولایت - سرپرست و رهبر شما تنها خداست، و پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند و نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.



■ نکات:

در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.

ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند ابن عباس، عمار یاسر، جابر بن عبدالله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و... نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند. عمار یاسر می‌گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در غدیر خم، برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود و خود علی علیه السلام نیز برای حقایق خویش، بارها این آیه را می‌خواند. ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می‌کرد.

کلمه «ولّی» در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می‌کنند. مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می‌کند که بر اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه داده‌اند که این عمل با جمع بودن کلمات «یقیمون، یؤتون، الراکعون» سازگارتر است. بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام، اوصاف و افعال او را بر شمرده است) امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام هزاران شاهد در غدیر خم داشت، ولی نتوانست حقّ خود را بگیرد، در حالی که اگر یک مسلمان دو شاهد داشته باشد، حقّ خود را می‌گیرد!

ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است.

◀ ورق بزنید



■ پیام :

- ۱- معمولاً در قرآن نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است، ولی در این آیه، هر دو به هم آمیخته‌اند. (دادن زکات در حال نماز) «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
- ۲- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. «أَنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...» («أَنَّمَا»، نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است)
- ۳- برای توجّه به محرومان، نماز هم مانع نیست. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آری، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد.)
- ۴- ولایت از آن کسانی است که نسبت به اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات پایدار باشند. «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ...» («يَقِيمُونَ» و «يُؤْتُونَ» نشانه دوام است)
- ۵- توجّه به خلق برای خدا در حال نماز، با اقامه نماز منافات ندارد. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
- ۶- کسی که نسبت به فقرا بی تفاوت باشد، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. «أَنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...» و «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»
- ۷- کارهای جزئی (مثل انفاق انگشتر) نماز را باطل نمی‌کند. «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
- ۸- در فرهنگ قرآن، به صدقه مستحبّی هم «زکات» گفته می‌شود. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»





اهدای جوایز به برندگان جشنواره قرآنی بهشت انس



۳۸

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

سوره مائده ، آیه شصت و هفتم

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملا (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد و خداوند جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.



نکات:

این آیه به دلایلی که خواهد آمد مربوط به جانشینی حضرت علی علیه السلام و نصب او به ولایت در غدیر خم به هنگام برگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از سفر حج در سال دهم هجری است. همه‌ی مفسران شیعه به اتکای روایات اهل بیت علیهم السلام و نیز بعضی از مفسران اهل سنت به عنوان یکی از مصادیق، آیه را مربوط به نصب حضرت علی علیه السلام در غدیر خم به ولایت و امامت دانسته‌اند. جالب آنکه صاحب تفسیر المنار از مسند احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه، حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» را با سند صحیح و موثق بیان کرده است و سپس با دو جمله به خیال خود در آن تشکیک نموده است: اول اینکه مراد از ولایت، دوستی است. (غافل از آنکه دوستی نیاز به بیعت گرفتن و تبریک گفتن و آن همه تشریفات در غدیر خم نداشت) دوم آنکه اگر حضرت علی علیه السلام امام و رهبر بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله بود، چرا فریاد نزد و ماجرای نصب خود را در غدیر نگفت؟! (غافل از آنکه در سراسر نهج البلاغه و کلمات حضرت علی علیه السلام ناله‌ها و فریادها مطرح است، ولی صاحب المنار گویا آن ناله‌ها و فریادها را نشنیده است. در تمام قرآن تنها در این آیه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نسبت به کتمان پیام تهدید شده که اگر نگویی، تمام آنچه را که در ۲۳ سال رسالت گفته‌ای هدر می‌رود. پس باید دید چه پیام مهمی است که این‌گونه بیان می‌شود؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر آنچه درباره ولایت تو است به مردم نرسانم تمام اعمال من محو می‌شود.

در این آیه چند نکته است که جهت‌گیری محتوایی آن را روشن می‌کند:

- ۱- سوره مائده، در اواخر عمر شریف پیامبر نازل شده است.
- ۲- در این آیه، بجای «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ»، تعبیر «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» آمده است، که نشانه‌ی یک رسالت مهم است.

ورق بزنید



- ۳- به جای فرمان «أبلغ»، فرمان «بَلِّغ» آمده که نشانه‌ی ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.
- ۴- پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام مهم تهدید شده که اگر نگوید، همه‌ی زحماتش به هدر می‌رود.
- ۵- رسول خداصلی الله علیه وآله از عواقب کاری هراس دارد که خداوند او را دلداری می‌دهد که ما تو را از شر مردم ننگه می‌داریم.
- ۶- پیامبر، از جان خود نمی‌ترسد. زیرا در روزگار تنهایی که با بت‌ها مبارزه می‌کرد و در جنگ‌ها که با مشرکین درگیری نظامی داشت، از خطرهای نمی‌ترسید. (در حالی که سنگباران می‌شد، و یارانش شکنجه می‌شدند، حالا در اواخر عمر و در میان این همه یار بترسد؟!)
- پس، محتوای این پیام مهم که در اواخر عمر شریف پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شده چیست؟
- روایات بسیاری از شیعه و سنی، ما را از تحبیر نجات داده و راه را نشان می‌دهد. روایات می‌گوید: آیه مربوط به هجدهم ذیحجه سال دهم‌هجری در سفر حجة الوداع پیامبر اسلام است، که آن حضرت در بازگشت به سوی مدینه، در مکانی به نام «غدیر خم» به امر الهی فرمان توقف داد و همه در این منطقه جمع شدند. مکانی که هم آب و درخت داشت و در گرمای حجاز، کارساز بود و هم محلّ جدانشدن کاروان‌های زائران مکه بود و اهل یمن، عراق، شام، مدینه و حبشه از هم جدا می‌شدند.
- در آنجا، پیامبر خدا در میان انبوه یاران، بر فراز منبری از جهاز شتران قرار گرفت و خطبه‌ای طولانی خواند. ابتدای خطبه، توحید، نبوت و معاد بود که تازگی نداشت. سخن تازه از آنجا بود که پیامبر، خبر از رحلت خود داد و نظر مسلمانان را نسبت به خود جویا شد. همه نسبت به کرامت و عظمت و خدمت و رسالت او در حد اعلا اقرار کردند. وقتی مطمئن شد که صدایش به همه‌ی مردم، در چهار طرف می‌رسد، پیام مهم خود را نسبت به آینده بیان کرد. و فرمود: «من کنت مولاه فعلیّ مولاه» هر که من مولای اویم، این علیّ مولای اوست و بدین وسیله جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پس از خود به صراحت اعلام داشت. اما پس



از وفاتش، وقتی حضرت زهرا علیها السلام به در خانه‌های مردم می‌رفت و می‌گفت: مگر نبودید و نشنیدید که رسول خدا در غدیر خم چه فرمود؟ می‌گفتند: ما در غدیر خم، در فاصله دوری بودیم و صدای پیامبر را نمی‌شنیدیم!! الله اکبر از کتمان، از ترس، از بی‌وفایی و از دروغ گفتن به دختر پیامبر خدا. آری، مردم با دو شاهد، حَقّ خود را می‌گیرند، ولی حضرت علی علیه السلام با وجود ده‌ها هزار شاهد، نتوانست حَقّ خود را بگیرد.

■ پیام :

- ۱- نوع خطاب، باید با نوع هدف، هماهنگ باشد. چون هدف، رسالت و پیام‌رسانی است، خطاب هم «یا ایها الرسول» است.
- ۲- انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الرَّسُولِ»
- ۳- گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و مراسم عمومی و با بیعت گرفتن باشد، ابلاغ ولایت با سخن کافی نیست، بلکه باید با عمل باشد. «وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ» به جای «أَنْ لَّمْ تَبْلُغْ»
- ۴- احکام و پیام‌های الهی، همه در یک سطح نیست. گاهی پوشاندن یک حقیقت، با پوشاندن تمام حقایق برابر است. «وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
- ۵- اگر رهبری صحیح نباشد، مکتب نابود و امت گمراه می‌شود. «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
- ۶- رکن اصلی اسلام، امامت و حکومت است. «وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
- ۷- انکار ولایت، نوعی کفر است. «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»
- ۸- عنصر زمان و مکان، دو اصل مهم در تبلیغ است. (با توجه به اینکه این آیه در هجدهم ذی‌الحجه و در محل جدا شدن کاروان‌های حج نازل شد)

◀ ورق بزنید



۳۹

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

سوره بقره ، آیه دویست و هفتاد و چهارم

انفاق - آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند.





■ نکات:

در تفاسیر صافی، مجمع‌البیان و کبیر فخررازی آمده که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. هنگامی که آن حضرت فقط چهار درهم ذخیره داشت، یک درهم را در روز، یک درهم را در شب، سومین آنرا مخفیانه، و چهارمین درهم را آشکارا در راه خدا انفاق نمود. البته وعده‌ی این آیه، شامل همه کسانی می‌شود که اینگونه عمل کنند. چنین افرادی نه از فقر و تنگدستی بیم دارند، چون به وعده‌های خداوند ایمان داشته و به او توکل می‌کنند، و نه بخاطر انفاق، اندوهگین می‌شوند، چون به رضایت الهی و آثار اخروی انفاق توجه دارند. شاید دلیل آنکه «لیل» بر «نهار» و یا «سر» بر «علانیه» مقدم شده است، آن باشد که انفاق‌های پنهانی در دل شب ارزش بیشتری دارد. انفاق، علاوه بر انفاق مال و ثروت، شامل انفاق علم، آبرو و مقام نیز می‌شود. کلمه‌ی انفاق، در لغت به معنای پر کردن گودال و در اصطلاح، به معنای پر کردن و بر طرف نمودن کمبودهای مالی است. یادآوری این نکته لازم است که توجه اسلام به مسئله انفاق، به معنای گداپروری و رواج تکدی‌گری نیست. زیرا در بسیاری از روایات، از کسانی که بدون داشتن نیاز، از دیگران درخواست کمک می‌کنند، مذمت شده و از سوی دیگر بهترین نوع انفاق، در اختیار قراردادن ابزار کار به جای پول دادن، معرفی شده است.

■ پیام:

- ۱- داشتن روحیه‌ی انفاق و سخاوت مهم است، نه یکی دو بار انفاق آنهم از روی ترحم. «ینفقون» فعل مضارع بر استمرار دلالت دارد.
- ۲- وعده‌های الهی، بهترین مشوق انسان در کارهای نیک است. «فلهم اجرهم»
- ۳- آرامش و امنیت، از برکات انفاق است. «لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»



۴۰

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

سوره بقره ، آیه دویست و هفتم

لیلة‌المبیت - بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام) در لیلة‌المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جان خود را بخاطر خشنودی خدا می فروشند، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.



■ نکات:

ابن‌ابی‌الحدید که از علمای قرن هفتم اهل سنت است، در شرح نهج‌البلاغه خود آورده است: تمام مفسران گفته‌اند این آیه درباره علی بن‌ابی‌طالب علیه السلام نازل شده است که در لیلۃ‌المبیت در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید.

مشرکان مکه، قرار گذاشتند از هر قبیله‌ای یک نفر را برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب کنند و آن حضرت را دسته جمعی از بین ببرند تا بنی‌هاشم به خونخواهی او قیام نکنند و با این عمل از دعوت پیامبر راحت شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از نقشه‌ی آنان با خبر شد و علی علیه‌السلام برای اینکه پیامبر به سلامت از مکه خارج شود، در بستر ایشان خوابید و این آیه در شأن آن حضرت نازل گردید.

همین که علی علیه‌السلام در آن شب خطرناک به جای پیامبر خوابید، خداوند به دو فرشته‌ی خود، جبرئیل و میکائیل فرمود: کدامیک از شما حاضرید فدای دیگری شوید؟! هیچکدام از آنها حاضر نشدند. خداوند فرمود: اینک مشاهده کنید که چگونه علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام حاضر است جان خود را فدای رسول خدا کند.

گاهی باید برای احیای یک معروف و یا محو یک منکر، جان را تسلیم کرد.

■ پیام :

۱- ناهل، حرفش زیباست و انسان را به تعجب و امید می‌دارد، ولی مؤمن، عملش دنیا را متعجب می‌کند.
«من النَّاسِ مَنْ یعجبک قوله»، «من النَّاسِ مَنْ یشری نفسه»

◀ ورق بزنید



- ۲- یاد ایثارگران را زنده بداریم. «من الناس من یشری»
- ۳- پیش مرگِ اولیای خدا شدن، یک ارزش است. «من الناس من یشری»
- ۴- بزرگ‌ترین سود آن است که انسان بهترین متاع را که جان اوست به خالق خود بفروشد، آن هم نه برای بهشت و یا نجات از دوزخ، بلکه فقط برای کسب رضای او. «ابتغاء مرضات الله»
- ۵- در راه خدا، استقبال از خطر و آمادگی برای جانفشانی همچون دریافت خطر است. با توجه به شأن نزول آیه، ستایش از کسی است که جان خود را در معرض خطر قرار داد، هر چند حادثه‌ای اتفاق نیفتاد. «من یشری نفسه...»
- ۶- رأفت خداوند، بهترین پاداش است. خداوند برای هرکاری پاداشی قرار داده است، اما در این آیه می‌فرماید: خداوند رؤف است. «الله رءوف بالعباد»





نهج البلاغه

سخن آغازین

■ مطلع سخن:

- حضرت علی (ع) دریای بیکران فصاحت و اسرار پنهان بلاغت است که فصاحت کلام و بلاغت سخن، همه از وجود آن خورشید عالم تاب است.
- نسیم و رایحه‌ی خطبه‌های نهج‌البلاغه هر یک به منزله‌ی مطلع اندیشه و معرفت حیات ابدی می‌باشد. نامه‌های نهج‌البلاغه راه و رسم زیبای چگونه زیستن و در این وادی دل‌انگیز را ترسیم می‌کند.
 - کلمات قصار و کوتاه نهج‌البلاغه دریچه‌ای به ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی است که کران تا کران انسان را به سوی بصیرت و روشنگری می‌کشاند.
 - پندهای شریف و مقدس حضرت امیر شامل خطبه‌های حضرت، نامه‌های ایشان و کلمات کوتاه و قصار ایشان می‌باشد که سیدرضی (ره) تعداد آن‌ها را جمع‌آوری و در مجموعه‌ای که آن را نهج‌البلاغه نامگذاری کرده است قرار داده.

بہترین

اختتامیہ
چارمیں جشن
مجمع فریضہ قرآن
سال تحسیل ۹۵-۹۶



علی فیضی حافظ کل قرآن و نہج البلاغہ

مدعوں محترم راہ اختتامیہ چارمیں جشن



معرفت به خالقى که بی نیاز است^۱

خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنِ طَاعَتِهِمْ

خداوند مخلوقات خود را خلق کرد در حالی که نیازی به اطاعت آنها نداشت.



خداوند بی نیاز است:

■ **اَللهُ الصَّمَدُ ۲**

در آیات قرآن وجود مقدس باری تعالی نوزده بار صفت غنی را ذکر نموده است او در حالی تمام خلایق را خلق کرده که قدرتش تمام عالم را فرا گرفته و هیچ نیازی به کسی یا چیزی ندارد زیرا جایی نیست که نباشد یا چیزی نیست که نداشته باشد پس او بی نیاز است و رحمتش تمام خلایق را در بر گرفته و لطف بی پایانش شامل مخلوقات است .

-آری چنین خداوندی سزاوار ستایش است ، ستایش از آن خداوندی است که با عظمت و قدرتش خالق آفرینش است و در عین حال نیازی به مخلوقات خود ندارد و سزاوار ستایش است نه بهانه ی بهشت بلکه به جهت اینکه سزاوار این ثنا و ستایش است و بهاء کسی که این ستایشگر بهشت است چرا که علی (ع) فرمود:

((لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا ۳))

وجود و نفس شما بهایی جز بهشت ندارد ، پس آن را جز به بهشت نفروشید.

و چه زیبا نشانه ها و خصوصیات اهل بهشت و معرفت را بیان فرموده :

کسانی که تقوای الهی را سرلوحه امورات خود قرار داده اند.

((مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ ، مَلَبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ ، مَشِيَّتُهُمُ التَّوَّاضُعُ ۴))

گفتارشان صحیح است لباس و پوششان اقتصادی و از روی تواضع راه می روند .

۵- حکمت ۴۵۶ نهج البلاغه

۶- خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه

۱- خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه

۲- آیه ۲ سوره توحید



مواظبت در گفتار و رفتار

غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

آنها چشمان خود را از محرّمات (هر چیزی که خداوند حرام کرده) می پوشانند.



■ مواظبت در گفتار و رفتار

((غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ))^۵

آنها چشمان خود را از محرّمات (هر چیزی که خداوند حرام کرده) می پوشانند. مولای متقیان می فرماید انسان های آینده نگر کسانی هستند از هر حرامی چشم می پوشند و اشاره می فرمایند به آیات قرآن:

((قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ))^۶

ای پیامبر (ص) به مومنان بگو چشم های خود از نگاه به نامحرم فرو گیرید.

وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ

انسان هایی که آرامش تمام وجودشان را فرا گرفته و آرامش و امنیت الهی را با تمام وجود درک می کنند کسانی هستند که بیشتر سکوت می کنند و تازمانی که از آنها سوال نکنی لب به سخن نکشایند چرا که می دانند خداوند باز کردن درب های حکمت را به روی انسان در نگه داشتن زبان و سکوت کردن قرار داده.

۵- خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه

۶- آیه ۳۰ سوره نور



استقامت در وظیفه

نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّحَاءِ

آنها به هنگام سختی و ابتلاء همانگونه اند که در رفاه و آسایش. یعنی نه به هنگام بلا سست می شوند و ناله سر می دهند و نه زمان رفاه و آسایش خدا را فراموش می کنند.



■ استقامت در وظیفه

((نَزَّلَتْ أَنْفُسَهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نَزَّلَتْ فِي الرَّخَاءِ))^(۷)

آنها به هنگام سختی و ابتلاء همانگونه اند که در رفاه و آسایش. یعنی نه به هنگام بلا سست می شوند و ناله سر می دهند و نه زمان رفاه و آسایش خدا را فراموش می کنند.

وقتی در بلا افتند همانند کسی هستند که در نعمت به سر می برند آنها هم در بلا و سختی روزگار و هم در هنگام وجود نعمت ها و راحتی یکسان رفتار می کنند نه بلا و رنج آنها را تغییر می دهد و خود را می بازند و نه در آسایش و نعمت خود را فراموش می کنند. بلکه همه را مسیر پیشرفت خود می ببینند و می دانند خداوند در تمام این امتحان ها آنها را می بیند و یاور و مدد آنها خواهد بود.

■ درک خداوند

((عَظَّمَ الْخَالِقَ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغَّرَ مَادُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ))^(۸)

خداوند در نظر آنان بزرگ جلوه کرد پس غیر خدا در نظرشان ناچیز گشت.

حضرت علی(ع) می فرماید:

گرچه عظمت وجود خداوند قابل درک نیست چون بی نهایت است و بی نهایت درک

ورق بزنید

۷- آیه ۱۶۵ سوره انعام

۸- خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه



نمی‌شود اما می‌توان در حد بضاعت کم انسانی به این عظمت دست پیدا کرد که در این مواقع است که انسان می‌فهمد خداوند چه عظمتی دارد لذا تمام غیر خداوند برای او ناچیز می‌شود و به حقیقت:
(لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ) می‌رسد که هیچ‌چیز از غیر خداوند بر نمی‌آید.

فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدَرَأَهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدَرَأَهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ^(۹))
آنها (پرهیزکاران) نسبت به بهشت مانند کسی هستند که گویا بهشت را می‌بینند و در آن در آسایش هستند و نسبت به جهنم هم مانند جهنمی‌ها خود را در میان آتش می‌بینند (اگر خطایی انجام می‌دهند) که در حال عذاب هستند.
حضرت علی (ع): اینان را به کسانی تشبیه کردند که در بهشت ابدی هستند و از نعمت‌های زیبا بهره‌مند هستند چرا که تمام وظایف خود را در برابر خداوند انجام داده‌اند و با وجدانی آرام و ضمیری پرنشاط روزی می‌خورند.
آنان حقایق عالم را می‌بینند که اگر خطایی انجام دهند چه عواقبی خواهند داشت.
در نتیجه مواظب رفتار و گفتار و کردار خود هستند و غرق در آرامش و لذت نعمت‌های خداوند.

۹- خطبه ۱۸۴ نهج البلاغه



جشنواره قرآنی بهشت اُنس در مقاطع مختلف تحصیلی برگزار می‌شود



محاسبه

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ

هر که به حساب خویش رسیدگی نمود سود بُرد، و هر که از آن غافل ماند زیان کرد.



■ محاسبه

انسان‌های شایسته، در شبانه روز ساعتی هم به خود می‌پردازند و از خود حساب می‌کشند و افکار و اعمال و حرف‌ها و رفتارهای روزانه‌ی خود را به دقت مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این همان «محاسبه» است که از گام‌های اولیه‌ی خودسازی و سلوک به شمار می‌رود.

محاسبه یعنی مطالعه‌ی کارنامه‌ی هرروز و بازبینی فیلم عملکرد خویش در ساعات آخر شب. این کار، نقشی به سزا در آگاهی از لغزش‌ها و شناخت نقاط قوت و جبران لغزش‌ها دارد. امام علی (ع) در وصف مردان خدا که از غفلت دورند و پیوسته یاد خدا روشن‌گر جان آن‌هاست، نکات عجیب و مهمی بیان فرموده است. از جمله می‌فرماید:

آنان با چشم دل به دنیا و مردمانش می‌نگرند و چیزهایی می‌بینند که مردم نمی‌بینند و چیزهایی می‌شنوند که دیگران نمی‌شنوند. اگر با نگاه عقل و خرد به آنان بنگری، آنان را چنان می‌بینی که:

دفت‌ر و دیوان‌های عمل خویش را گشوده‌اند و به محاسبه‌ی خود پرداخته‌اند و از خودشان نسبت به هر کار کوچک و بزرگی که مامور به انجام بوده‌اند و کوتاهی کرده‌اند یا از آن‌ها نهی شده بودند و مرتکب شده‌اند حساب می‌کشند.^{۱۰}

امام در سخن دیگری مردم را چنین موعظه می‌کند:
«عِبَادَ اللَّهِ! زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا، وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا»^{۱۱} ای بندگان

ورق بزنید

۱۰- خطبه ۱۲۲ نهج البلاغه

۱۱- همان، خطبه ۹۰



خدا پیش از آن که شمارا وزن کنند و بسنجند، خودتان وزن کنید و بسنجید و پیش از آنکه از شما حساب بکشند، از خودتان حساب بکشید.

کسی که از رسوایی دنیا می ترسد، از رسوایی آخرت باید ترسان تر باشد، چرا که آنجا همه چیز آشکار می شود. کسی که از خود حساب می کشد، می تواند بار خود را سبک تر کند و برای حضور در آن روز «محاكمه بزرگ»، با پرونده ای روشن تر قدم به قیامت بگذارد و پیش از مرگ و قیامت، از گناهان توبه کند و خود را پاک سازد. به همین جهت است که مولا، اهل محاسبه را اهل سود و برنده می داند و می فرماید:

«مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ»^{۱۲}

هر که از خودش حساب بکشد، سود می برد و هر که از خود غافل باشد، زیان می کند. مگر می توان به آخرت و محاسبه ی آن روز و بهشت دوزخ معتقد بود و باز هم بی خیال و غافل، زندگی را بازیچه پنداشت و با سرنوشت ابدی خود بازی کرد؟ آنان که اهل برنامه ی محاسبه باشند، خود را پاک میکنند و از قیامت هم ترسی ندارند، چرا که «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟»

محاسبه نوعی عامل بازدارنده از گناه و یک «واعظ درونی» و توفیقی برای اصلاح اعمال است. حضرت امیر، یکی از ویژگی های بنده ی محبوب خدا را این می داند که خداوند، او را بر اصلاح خود و تهذیب نفس کمک کند و در جای دیگر می فرماید:

آنکس که خود را یاری نکند و پند دهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری هشدار دهنده و پند دهنده او نخواهد بود.

۱۲- حکمت ۲۰۸ نهج البلاغه



این از برکات همان محاسبه است که نقش واعظ درونی را ایفا میکند و بر نیک و بد و زشت و زیبای «کارنامه‌ی عمل»، هشدار می‌دهد. محاسبه، تنها نسبت به طاعت و معصیت نیست. اینکه عمر چگونه صرف می‌شود؟ جوانی در چه راهی سپری می‌گردد؟ درآمدها و خرج کردن‌ها از چه راهی و در چه راهی است؟ دوستی‌ها، دشمنی‌ها، رابطه‌ها و قطع رابطه‌ها بر چه اساس و معیاری است؟ در کارها اخلاص است یا ریا؟ در خدمت‌ها و فعالیت‌ها خودنمایی و شهرت طلبی است یا دلسوزی واقعی؟ در زندگی پیش می‌رویم یا عقبگرد داریم؟... این‌ها همه از عناصر همان «محاسبه» است. کسی که اهل محاسبه نباشد خود را می‌بازد.



حفظ زبان

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ تَقَصَّ الْكَلَامُ

هرگاه عقل کامل شود، سخن کوتاه می شود (کاهش می یابد).



■ حفظ زبان

مراقبت بر گفته‌ها و حفظ زبان از دروغ و غیبت و بهتان و مسخره کردن و کنترل خود از گفتن حرف‌های بی ثمر و عادت دادن زبان به سخنان شایسته و ذکر خدا و کلام راست، از برنامه‌های مهم خودسازی است.

امام علی (ع) کم حرفی را نشانه خردمندی می‌داند و می‌فرماید:

((إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ ^(۱۳)))

هرگاه عقل کامل شود، سخن کاهش می‌یابد.

این دو مسأله (کمال عقل، کاهش کلام) به این جهت ارتباط دارند که اولاً سخن هم جزو عمل است و مورد سوال و مواخذه قرار می‌گیرد، ثانیاً هر که بیشتر سخن بگوید خطایش هم بیشتر می‌شود.

حضرت علی (ع) به این نکته چنین اشاره می‌فرماید:

((مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ ^(۱۴)))

هر کس بداند که سخنش هم جزو عملش است، سخنش کم می‌شود، مگر درباره آنچه به او مربوط باشد و به دردش بخورد.

((مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ ^(۱۵)))

هر کس سخنش بسیار شود، خطایش هم زیاد می‌شود.

ورق بزنید

۱۵- همان

۱۳- حکمت ۷۱ نهج البلاغه

۱۴- حکمت ۳۴۹ نهج البلاغه



کسانی ادعاهای بسیار دارند، اما حریف زبانشان نمی شوند و زورشان به این قطعه گوشتی که در دهانشان می چرخد نمی رسد. امام علی (ع) گاهی از زبان به عنوان درنده ای که اگر رها شود گاز می گیرد یاد کرده است.

گاهی کلمه را گروگان و در اختیار انسان می داند تا وقتی انسان حرف نزده است و چون حرف بزند، گوینده در گرو آن کلام قرار می گیرد. گاهی زبان مؤمن را پشت قلبش و قلب منافق یا احمق را پشت زبانش می داند و توضیح می دهد که مؤمن قبل از سخن، فکر و تأمل می کند و اگر خیر بود می گوید و گرنه سکوت می کند، اما منافق هر چه بر زبانش آید، بدون اندیشه به پایان کار، ابراز می کند. مزنی بی تأمل به گفتار، دم نکوگو، اگر دیر گویی چه غم؟

اگر چنین دقت و مراقبتی نباشد، گاهی حرف های درونی و اسرار پنهانی انسانی از زبانش بیرون می برد و گاهی هم شیطان از زبان انسان سخن می گوید و انسان ندانسته سخنگوی ابلیس می شود. دوجمله از حضرت علی (ع) این خطرها را چنین گوشزد می کند:

هیچ کس چیزی را پنهان نمی کند، مگر آنکه از لغزش های زبانش و تغییرات چهره اش آشکار می شود (رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ ضمیر)^{۱۶}.

درباره گردنکشان مغرور چهره های متکبر در میان مردم می فرماید: شیطان آنان را به عنوان مرکب سواری خویش قرار می دهد و به مزدوری خود می گیرد و از زبان آنان حرف خود را به دیگران می رساند.

از این رو در توصیه های امیر المؤمنین و پیشوایان دیگر، تأکید بسیار شده که انسان زبان خود را



نگه دارد و کم حرف بزند و هر حرفی را نزد،

می‌فرماید:

((وَلِيخْزَنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ ۱۷...))

هریک از شما زبان خود را نگه دارد، چرا که این زبان نسبت به صاحبش چموش است. به خدا قسم هیچ بنده‌ای به تقوای سودمند نمی‌رسد مگر آنکه زبانش را حفظ کند.

زبان را حفظ کن، آنگونه که طلا نقره ات را حفظ می‌کنی چه بسا یک سخن نعمتی را سلب کند، یا کیفری را فراهم آورد.

(زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد!)

هرچه را نمی‌دانی مگو، بلکه همه آنچه را هم می‌دانی مگو!

شگفتا از کار این زبان که اگر مهار نشود، چه گناهان که به بار نمی‌آورد، چه آبروها که نمی‌برد، چه دوستی‌ها را که به دشمنی مبدل نمی‌کند، چه پشیمانی‌ها که پیش نمی‌آورد و چه دل‌ها را که نمی‌شکند و چه اسرار را که فاش نمی‌سازد.

((بزرگمهر حکیم)) چه زیبا گفته است:

((اندیشه کردن که ((چه بگویم؟))، به از پشیمانی خوردن که ((چرا گفتم؟))

امام علی (ع) در سخنی که یکی از برادران خود ساخته و الهی خود را معرفی می‌کند، یکی از خصلت‌های او را چنین بر می‌شمرد:

ورق بزنید

۱۷ - خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه



((وكان على ما يسمع احرص منه على ان يتكلم.))

بر شنیدن حریص تر بود تا حرف زدن!

یعنی از هنر سکوت برخوردار بود و دو تا می شنید و یکی می گفت.

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگوی

چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی

دادند دو گوش و یک زبان از آغاز

یعنی که دو بشنو و یکی پیش مگوی

خود ساخته کسی است که زبانش در اختیارش باشد، چرا که سخنان انسان ثبت و بایگانی می شود

و روزی باید جوابگو باشیم. به تعبیر امام:

((الاقاویل محفوظه.))

سخنان نگه داشته می شود (وبایگانی می گردد).

تا ندانی که سخن عین صواب است، مگوی!



به برندگان جشنواره جوایز نفیسی اهدا می‌گردد



عیب خود دیدن

طوبی لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ

خوش به حال آن کسی که عیب خودش، او را از پرداختن به عیوب دیگران باز دارد.



■ عیب خود دیدن

هیچ کس بی عیب نیست. اما عجیب این است که افراد، خود را بی عیب می دانند. از همه عیب می گیرند، اما حاضر نیستند بپذیرند خودشان عیب دارند. این ریشه در (حبّ نفس) دارد و کسیکه چنین باشد از دیدن عیب خود کور می شود و راه اصلاح به رویش بسته می شود. از برنامه های خودسازی، یکی هم (انتقاد از خویش) است. کسی شجاع است که شهادت پذیرش عیب و خطای خود را داشته باشد و به اصلاح آن پردازد.

حضرت امیر (ع) می فرماید:

((طوبی لَمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ))^(۱۸)

خوشا بر آن که عیب خودش او را از پرداختن به عیوب دیگران باز دارد.

در سخنی دیگر در نكوهش از غیبت و عیبجویی از دیگران می فرماید:

((كَيْفَ يَذُمَّهُ بِذَنْبِ قَدِ رَكِبَ مِثْلَهُ))^(۱۹)

چگونه دیگری را به خاطر گناهی نكوهش می کند که مانند آن را خودش هم مرتکب شده است؟

سیر یک روز طعنه زد به پیاز که تو مسکین چه قدر بدبویی!

گفت: از عیب خویش بی خبری زین ره از خلق، عیب جویی^{۲۰}

ورق بزینید

۲۰- پروین اعتصامی

۱۸- خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه

۱۹- خطبه ۱۴۰ نهج البلاغه



حضرت علی (ع) این شیوه را بزرگترین حماقت می شمارد و می فرماید:
کسی که در عیوب مردم بنگرد و آن‌ها را زشت بشمارد، ولی همان عیب‌ها را برای خودش بیسندد،
او احمق است.^{۲۱}

و یا با عبارتی دیگر همین نکته را چنین بیان می فرماید:
((أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ))^(۲۲)

بزرگترین عیب آن است که از چیزی عیبجویی کنی که مثل آن در تو هست .
اینکه انسان بتواند عیب خود را ببیند و به آن اعتراف کند و در صدد اصلاح برآید، قدرت روحی
و اراده می خواهد.

می توان از دیگری خواست که عیوب ما را خیر خواهانه به ما تذکر دهد. آن وقت باید ما خالصانه
بپذیریم و خوشحال شویم، آن گونه که در حدیث معروف امام صادق (ع) آمده است:
محبوب ترین برادرانم نزد من کسی است که عیوبم را به صورت هدیه به من بدهد.
جز انسان های خودساخته، کسی حاضر نمی شود خویشان را در معرض نگاه های نقاد و کنجکاو
قرار دهد و نتیجه را هم هر چه باشد بپذیرد، البته بیان عیب دیگران و نقد از دیگران هم باید
دلسوزانه و به قصد خدمت و کمک به او باشد، نه با انگیزه تخریب و آبروریزی و انتقاد جویی!
ما عادت کرده ایم که عیب خود را نبینیم ، یا اگر هم به آن پی بردیم برایش توجیهی پیدا کنیم، این
فرار از واقعیت است. عیب، زشت است چه در ما و چه در دیگران.
هم چشم گشودن به روی عیب خویش یک فضیلت است، هم چشم بستن به روی عیب دیگران .
ولی ما برعکس عمل می کنیم .به عیوب دیگران حساسیم و از عیوب خویش ، غافل و نابینا.

۲۱- حکمت ۳۴۹ نهج البلاغه

۲۲- همان ، حکمت ۳۵۳



امام علی (ع) در سخنی دیگر در نهی از غیبت دیگران می‌فرماید:
ای بنده خدا در عیب‌جویی از کسی به خاطر گناهش عجله نکن، شاید گناهش آمرزیده شده باشد.
نسبت به گناه کوچک هم ایمن مباش، شاید به خاطر همان عذاب شوی! هر کس از شما عیبی از
دیگری می‌داند، دست از او بردارد، به خاطر آنچه که از عیب خودش می‌داند^{۲۳}.
آن حضرت در خطبه متقین نیز یکی از اوصاف اهل تقوا را چنین بیان می‌کند:
هرگاه یکی از آنان (متقین) مورد ستایش قرار گیرد، از آنچه درباره اش می‌گویند می‌ترسد و
می‌گوید: من خودم را بهتر از دیگران می‌شناسم، خدا هم مرا بهتر از خودم می‌شناسد.
به امید اینکه هنر (عیب خود دیدن) را داشته باشیم و مثل طاووس باشیم که دیگران او را به خاطر
جلوه‌ها و زیبایی‌هایش تعریف می‌کنند، اما (او خجل از پای زشت خویش) است^{۲۴}.

۲۳- خطبه ۱۴۰ نهج البلاغه

۲۴- دیدن پا بهتر است از بال و پر طاووس را

عیب خود را در نظر، بیش از هنر داریم ما (صائب تبریزی)



مسابقه مفاهیم - ویژه همکاران مجتمع



احكام



درس یکم

شناخت احکام



■ ... لكل جعلنا منكم شرعاً و منهاجاً
... برای هر یک از شما (امتها) شریعت و راه روشنی قرار دادیم.

(سوره مائده، آیه ۴۸)

سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت در گرو عمل به برنامه‌های اسلامی و تطبیق برنامه‌های روزمره آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات بخش اسلام می‌باشد.

برنامه های اسلام به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: برنامه های اعتقادی (اصول دین).

ب: دستورهای عملی (فروع دین یا احکام).

ج: مسائل روانی (اخلاق).

دسته اول: برنامه هایی است در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان و مکلف باید نسبت به آنها یقین کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد، پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد گرچه می توان از راهنمایی دیگران برای رسیدن به یقین بهره‌مند گردید.

دسته دوم: که برنامه‌های عملی است، شامل بایدها و نبایدهایی است که با انجام و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می‌یابد؛ مانند خواندن نماز و پرداخت زکات و پرهیز از غیبت. دسته سوم، برنامه‌هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده؛ مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسان‌ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت آن؛ مانند حسد، بخل و نفاق را بیان می‌کند.

ورق بزنید



کتاب فقهی که با تلاش شبانه روزی دانشمندان اسلامی نوشته شده در بردارنده دسته دوم از مسائل دینی است که «احکام» نام دارد. شخص مکلف برای شناخت و پی بردن به آن امر و نهی ها، باید اجتهاد کند و از منابع مربوط، به آن ها دست یابد یا از کسی که با اجتهاد احکام را استنباط کرده تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید. بنابراین وظیفه مکلف نسبت به برنامه های عملی اسلام یکی از این سه امر است:

اجتهاد، تقلید، احتیاط

پیش از بیان هر یک از این امور، به جاست که توضیحی پیرامون شرایط تکلیف و همچنین تقسیم احکام بیاوریم.

■ شرایط تکلیف

آدمی با گوهر گرانبه‌ای تفکر و تعقل و قوه انتخاب و اختیار با دیگر موجودات فرق می‌کند و کرامت مسوولیت تکالیف الهی به او ارزانی شده، که با عمل به آنها به سعادت ابدی خواهد رسید. افرادی که دارای شرایط ذیل باشند مکلف به آن تکالیف خواهند بود:

■ بلوغ

■ عقل

■ قدرت

بنابراین فرد عاقل و بالغ که قادر بر انجام وظایف شرعی باشد، در مقابل امرها و نهی های الهی مسوولیت دارد و در صورت سرپیچی از آنها، عذاب خواهد شد و به پاداش اطاعت از آن دستورات هم خواهد رسید. پس کودکان و افراد دیوانه و کسی که قدرت بر انجام واجبات ندارد، مکلف نبوده و عملی بر او واجب یا حرام نیست. از این روست که اگر دیوانه یا طفل دروغ بگوید، یا نماز نخواند عذاب نمی‌شود.



■ تقسیم احکام

در یک تقسیم کلی، تمام احکام دینی را به دو دسته تقسیم کرده اند:

■ تکلیفی

■ وضعی

دسته اول: احکامی است که وظیفه انسان را نسبت به اعمال و رفتار وی مشخص می کند، مانند واجب بودن نماز و حرام بودن ظلم.

دسته دوم: احکامی است که وضعیت اشیاء را در ارتباط با اعمال انسان مشخص می کند، مثل حلال بودن گوشت کبوتر، حرام بودن مال غصبی، طهارت برخی اشیاء و نجاست برخی دیگر.

■ اقسام احکام تکلیفی

- ۱ - **واجب:** عملی است که انجامش لازم است و ترک آن عذاب دارد، مانند نماز.
- ۲ - **حرام:** عملی است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد، مانند دروغ.
- ۳ - **مستحب:** عملی که انجامش مطلوب است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد، مانند نماز شب.
- ۴ - **مکروه:** عملی که ترک آن مطلوب است و ثواب دارد و انجامش عذاب ندارد، مانند پوشیدن لباس سیاه در نماز.
- ۵ - **مباح:** عملی که انجام و ترک آن مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه ثوابی، مانند بسیاری از اعمال.

این پنج دسته از احکام را احکام تکلیفی می نامند، چون مربوط به تکلیف و وظیفه مکلفین می باشد، در مقابل آن احکام وضعی قرار دارد، که وضعیت و کیفیت چیزی را مشخص می کند، مانند: طهارت،

ورق بزنید



نجاست، حلال بودن، حرام بودن، درست بودن، باطل بودن.

■ تقسیمی دیگر برای احکام:

الف: حکم واقعی و آن حکمی است که بر اساس مصالح و مفاسد واقعی بر موضوع خاصی وارد شده است، که بسیاری از احکام شرعی از این دسته است.

ب: حکم ظاهری و آن حکمی است که بر موضوع خاصی به جهت جهل به حکم واقعی وارد شده است؛ مثل آبی که قبلاً کُر بوده و الان معلوم نیست کُر است یا قلیل، که حکم آب کُر را دارد و چیزی که معلوم نیست پاک است یا نجس، حکم شیء پاک را دارد.
و کسی که نمی داند، چه تعداد نماز قضا بر عهده اوست، حداقل را اگر انجام دهد، کفایت می کند.

■ پرسش

- ۱- برای احکام تکلیفی و وضعی، بجز آنچه در درس آمده، هر کدام سه مثال بزنید.
- ۲- برای حکم ظاهری سه مثال بزنید.
- ۳- نماز صبح و روزه رمضان، مصداق کدامیک از اقسام واجب است؟
- ۴- تفاوت کودک و دیوانه در عمل به برخی از واجبات و مستحبات چیست؟



جشنواره قرآنی بهشت اُنس



درس دوم

وضو



■ احکام شرایط وضو

■ شرایط آب وضو

- ۱- وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.
- ۲- آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:
وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست.
آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند حوض برخی از مدارس و وضو خانه بعضی از هتل‌ها و مسافر خانه‌ها و...
- ۳- وضو گرفتن از نه‌های بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرد.

■ شرایط اعضای وضو

- ۱- اعضای وضو در موقع شستن و مس باید پاک باشد.
- ۲- اگر در بین وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است؛ مثلاً مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.
- ۳- اگر غیر از اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غایب را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اول آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.
- ۴- اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر آن مقدار را بر طرف کند.

◀ ورق بزنید



- ۵ - چرک بدن اگر مانع رسیدن آب به اعضای وضو نباشد وضو اشکال ندارد.
- ۶ - اگر پس از گچ کاری و ماندن آن، چیز سفیدی که از رسیدن آب به پوست جلوگیری نمی‌کند بر دست بماند یا ظاهر شود، اشکالی ندارد ولی اگر مانع رسیدن آب می‌باشد، یا شک دارد که با بودن آنها، آب به پوست می‌رسد یا نه آنها را بر طرف کند.
- ۷ - اگر چیزی بر اعضای وضو باشد (اعضای شستن) که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود ولی بر اعضای مسح، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، برای وضو باید برطرف شود.
- ۸ - خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کرم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید بر طرف شود.
- ۹ - خال کوبی‌هایی که زیر پوست قرار دارد (جوهر است) و مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌باشد، برای وضو اشکال ندارد.

■ شرایط کیفیت وضو

ترتیب

کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود:

شستن صورت

شستن دست راست

شستن دست چپ

مسح سر

مسح پای راست

مسح پای چپ



شستن دست چپ



شستن دست راست



شستن صورت



مسح پای چپ



مسح پای راست



مسح سر

ورق بزنید



اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است، حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.

■ موالات

- ۱- موالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.
- ۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.
- ۳- راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها، چند قدم راه برود (به قدری که موالات به هم نخورد) و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است. از دیگران کمک نگیرد.
- ۱- کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است، ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می ریزد و می شوید وضو باطل نیست ولی اینگونه کمک گرفتن مکروه است.
- ۲- کسی که در وضو از دیگری کمک می گیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد.
- ۳- کسی که دیگری را وضو می دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آن که ممکن نباشد، که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام می دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.



■ شرایط وضو گیرنده

- ۱- وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.
- ۲- لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذرانند، بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او پرسند چه می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم.
- ۳- در وضو، قصد قربت کافی است و لازم نیست نیت وجوب یا استحباب کند؛ یعنی لازم نیست نیت کند وضوی واجب است یا مستحب).

■ وضوی جبیره ای

دوایی که بر زخم می زنند و چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می بندند، جبیره نام دارد. ۱- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به طور معمول

وضو بگیرد، باید چنین کند؛ مثلاً: روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد. روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲- چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است.

۳- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را باتری آب وضو که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح هم بگیرد.



▲
مسح پای چپ



درس سوم

غسل



گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می پردازیم:

■ غسل جنابت

- ۱ - چگونه انسان جُنُب می شود؟
- ۲ - اگر مَنی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود.
- ۳ - کسی که می داند مَنی از او خارج شده یا می داند آنچه بیرون آمده مَنی می باشد، جُنُب است و باید غسل کند.
- ۴ - نشانه های مَنی:
با شهوت بیرون آید.
با فشار و جستن بیرون آید.
بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود.
بیرون آمدن مَنی از انسان یکی از نشانه های بلوغ است و دو نشانه دیگر آن عبارت است از:
 - ۱ - روییدن موی خشن زیر ناف.
 - ۲ - کامل شدن ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران.برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد، بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها، بلوغ حاصل می شود. پس اگر جوانی از خود مَنی ببیند، هر چند به سن بلوغ نرسیده باشد، بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل نماید.

■ کارهایی که بر جُنُب حرام است

رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب، اسامی پیامبران

◀ ورق بزنید



و ائمه (علیهم السلام). رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.

■ توقف در مساجد

گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد باشد. خواندن سوره هایی از قرآن که سجده واجب دارد حتی یک حرف از آن. توقف در حرم امامان (علیهم السلام) (بنابر احتیاط واجب).

■ انجام غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب؛ مانند غسل جمعه، به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیت.

■ حکم کلی

تمام غسلها در چگونگی انجام با هم تفاوتی ندارد بجز در نیت.



هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم!



درس چهارم

نماز



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ...
نماز را در دو طرف روز و ساعات نزدیک شب بپادار...

(سوره هود، آیه ۱۱۴)

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است یا مستحب، نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روزه می باشد و در هر شبانه روز، در زمان های خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روز نمی باشد.

■ وقت نمازهای یومیه

برای نمازهای یومیه سه وقت است:

۱- وقت مخصوص

۲- وقت مشترک

۳- وقت فضیلت

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوم) تا طلوع آفتاب، وقت مخصوص نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست، وقت مشترکی ندارد.

■ وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

۱- از اذان ظهر تا مغرب وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اول آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت، به مقدار

ورق بزنید



خواندن نماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان، وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می توان خواند ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.

۲- اگر کسی تا وقت مخصوص عصر، نماز ظهر را نخوانده باشد، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند.

■ وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

- ۱- از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اول آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی، وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان، وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می توان خواند، ولی نماز عشا باید پس از نماز مغرب خوانده شود.
- ۲- وقت مخصوص و مشترک برای مسافر، وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است.
- ۳- اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب ماندن نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون این که نیت ادا یا قضا کند بجا آورد.
- ۴- وقت نماز جمعه که در روز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می شود، اول ظهر است و احتیاط واجب آن است که از اوایل وقت تاخیر نیندازد.

■ وقت فضیلت نمازهای یومیه

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص به اندازه طول شاخص افزوده گردد؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی متر سایه داشته باشد، پایان



وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخصی به ۱۲۰ سانتی متر برسد. وقت فضیلت نماز عصر: پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود. وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب؛ به عبارت دیگر از هنگام بر طرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن (یک بر روی سه) شب. وقت فضیلت نماز صبح: وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.

■ وقت فضیلت نمازهای یومیه

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و ابتدای وقت نماز صبح است.

■ ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت ظهر شرعی و ابتدای وقت نماز ظهر است.

■ مغرب

مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.

■ نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن نیمه شب و آخر وقت نماز عشاء است.

◀ ورق بزنید



■ احکام وقت نماز

- ۱- نمازهای غیر روزانه و مقطعی، دارای وقت مشخصی نیست، بلکه وقت انجام آنها بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله، کسوف، خسوف و یا حادثه ای دارد که پیش آمده است و نماز میت زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود.
- ۲- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است. اگر نماز در وقت خودش خوانده شود در اصطلاح احکام گویند: نماز اداء شده است. اگر نماز بعد از وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز قضاء شده است.
- ۳- مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تاخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را بر جماعت بخواند.
- ۴- اگر وقت نماز تنگ باشد، که اگر مستحبات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود باید مستحبات را بجا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت نخواند.
- ۵- اگر انسان نماز ظهر و عصر را قبل از سفر، در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپیما مسافرت را آغاز کند و زمانی به مقصد برسد که هنوز ظهر آن روز فرا نرسیده باشد، لازم نیست نماز ظهر و عصر را دوباره بخواند و همچنین اگر زمانی برسد که هنوز وقت نماز ظهر و عصر باقی است.
- ۶- اگر پس از طلوع آفتاب، با این که نماز صبح آن روز را نخوانده است، سفر را آغاز کند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد، باید نماز صبح آن روز را به نیت ادا بخواند.
- ۷- اگر نماز ظهر و عصر را نخوانده باشد و پس از مغرب (که نمازش قضا شده) با هواپیما مسافرت را آغاز کند و پس از اوج گرفتن هواپیما خورشید را ببیند، باید داخل هواپیما قبل از آنکه وقت بگذرد، نماز را به نیت ادا بخواند، حتی اگر به مقدار خواندن یک رکعت از نماز، وقت باقی باشد.



۸ - اگر هنگام حرکت هواپیما وقت نماز فرا نرسیده؛ مثلاً پرواز قبل از اذان صبح باشد و در هواپیما وقت نماز فرا رسیده و تمام می‌شود؛ یعنی قبل از طلوع آفتاب به مقصد نمی‌رسد، باید نماز را داخل هواپیما بخواند.

■ استفتاء

س ۱ - آیا بیدار نمودن افراد خانواده برای نماز صبح مجاز است؟
ج - اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل انگاری به امر نماز باشد، باید آنها را بیدار نماید.
س ۲ - هنگامی که میهمانی برای ما می‌آید و وقت نماز خواندن هم شده است ما باید کدامیک را از نظر اسلام در آن شرایط که مهمان آمده از جحیت بیشتری بدان دهیم، آیا باید پس از کمی که پیش مهمان نشستیم از او عذر بخواهیم و به خواندن نماز مشغول شویم و یا اینکه هنگامی که مهمان رفت نمازمان را بخوانیم؟
ج - مستحب است نماز را اول وقت بخوانند.

■ پرسش

- ۱ - تفاوت وقت مخصوص با وقت فضیلت چیست؟
- ۲ - وقت مخصوص و فضیلت نماز عشاء چه زمانی است؟
- ۳ - محاسبه فرمایید، امشب، پایان وقت نماز عشاء چه ساعتی است؟
- ۴ - در چه صورتی نماز عصر را باید قبل از نماز ظهر خواند؟

ارْشِدًا الْقُرْآنَ هَدَىٰ لِلْعَالَمِينَ



اختتامیه سومین جشنواره قرآنی بهشت آنس
مجتمع فرهنگ آموزنده باطن
سال تحصیلی ۱۴۰۳

حضور اعضای هیأت موسس در مراسم جشنواره قرآنی بهشت آنس



مجمع فرهنگی، آموزشی علامه طباطبائی

در تفسیر منهج الصادقین ذیل آیه اول "سوره مبارکه حمد" اینگونه آمده که اگر معلمی به کودکی "بسم الله الرحمن الرحیم" یاد دهد خداوند آن کودک و آن معلم و پدر و مادر کودک را از دوزخ نجات می‌دهد.



ستاد قرآن

www.alameh.ir www.mat.ir